

قدرت علی حشمتیان

ریاست جبهه مستقلین و اعتدال گرایان ایران در گفت و گو با اراده ملت تشریح کرد:

**بزرگ ترین نقص و ایراد احزاب در کشور ما این است
که حق خود را مطالبه نمی کنند**

عبداله تقی پور

عضو شورای پنجم شهر تبریز در گفت و گو با اراده ملت عنوان کرد:

شوراها روحیه کار تیمی ندارند



هفته نامه غیربرخط اراده ملت شماره ۴۷ سه شنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۱

افتخار صادرات سیب زمینی در کشوری خشک به چه می ماند؟

آیا لذت گرایی تنها گزینه برای خوب زیستن است؟!

آیا تاجر جدیدی نخست وزیر انگلستان شده است؟

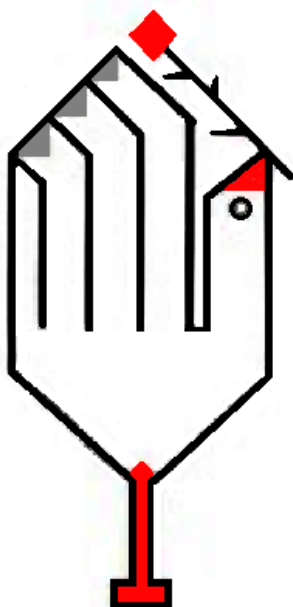
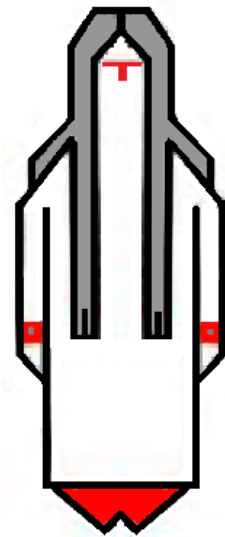
مهر آفرینان، فرزندان ناتنی آموزش و پرورش؟!

سکوت در مورد طرح جراحی اقتصادی دولت

جمهوری انسانی و ایده خشونت پرهیزی

آیا برای هشدارها سرانجامی هست؟

همدان، قربانی خودکفایی!



زن

زندگی

آزادی



هفته‌نامه غیر برخط اراده ملت

۲۹ شهریور ماه سال ۱۴۰۱ / شماره ۴۷



صاحب امتیاز:

حزب اراده ملت ایران

مدیر مسئول:

(در حال تغییر مدیر مسئول)

زیر نظر

شورای سردبیری و هیات تحریریه

همکاران این شماره:

راضیه گمار / سمانه فاخری / زهرا کرد

زهرا رحیمی / مهشید قاسمی / افشین فرهنگچی

پیام فیض / حسن غلامی / حمید سپهری / رحیم حمزه

علی صابری / کاظم طیبی / فرد / مهدی تروهید

نشانی:

نشانی: خیابان اسکندری جنوبی، نرسیده به خیابان

آزادی، بن بست خلیلی پلاک ۱ واحد ۱

تلفن:

۰۲۱۶۶۵۶۲۳۰۶

تلفکس:

۰۲۱۶۶۵۶۷۸۴۵



این هفته نامه

ارگان رسمی حزب اراده ملت است

نوشتار

ابراهیم رئیسی در خردادماه سال ۱۴۰۰ پیروز انتخابات شد و فرایند تشکیل دولت را آغاز کرد. این فرایند تا انتهای مردادماه همان سال طول کشید و عملاً شهر یورماه سال ۱۴۰۰، روزاروؤسای جدید مستقر شد و بر نامه‌های پیشنهادی و ادعایی خویش را شروع کردند. بر آنیم تا در سلسله مقالاتی به بررسی عملکرد یک ساله برخی از زیر مجموعه‌های دولت سیزدهم بپردازیم. از زیر مجموعه‌های

گزارش

به دنبال قطعی یک ماهه آب در همدان و بروز بحران در این شهر که روزگاری باغ شهر و پایتخت سبز جهان اسلام شناخته می‌شد، در شعبه همدان حزب حامای نشست با حضور فعالان مدنی حوزه آب تشکیل شد. آنچه می‌خوانید گزارشی از این برنامه است.

اندیشه

در شماره قبل به موضوع لذت گرایان پرداختیم و بیان کردیم که عده‌ای از متفکران و حتی مقدار قابل توجهی از عموم مردم، انباشت حداکثر لذت در زندگی را سازنده یک زندگی مطلوب می‌دانند و چنین زندگی‌ای را واجد صفت "خوب زیستی" می‌پندارند.

گفتگو

با توجه به تجربه حضور در شورای پنجم شهر تبریز، ارزیابی شما از عملکرد مجموعه شورای شهر چیست؟
امروزه نقش شوراها در نظارت بر عملکرد شهرداری تعریف می‌شود. در حالی که شورا پارلمانی محلی معرفی شده بود که وظیفه قانون گذاری و نظارت بر عملکرد شهرداری و سایر ادارات خدمت رسان در شهرها را بر عهده داشت.

رویدادهای ایران

انور حبیب زاده بوکانی در نشست علنی دیروز (سه شنبه ۲۹ شهریور ماه) مجلس شورای اسلامی در تذکر شفاهی خود گفت: فوت مهسا امینی دختر ۲۲ ساله سقزی که از سوی گشت ارشاد

معرفی و پیشنهاد

این فیلم از معروف ترین فیلم های سیاسی به محوریت جنگ می باشد که توسط پوتنه کوروو، فیلم ساز ایتالیایی ساخته شد و در سال ۱۹۶۷ به نمایش درآمد. داستان بر اساس خاطرات سعدی یوسف نوشته شده است.

اخبار حزبی

جلسه دفتر سیاسی حزب روز ۲۰ شهریور برگزار شد. موضوع این جلسه مزایا و معایب دولت اقتدارگرایی مصلح در برابر وجود یک دولت دموکراتیک بود.

۸



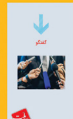
۱۳



۱۹



۲۴



۲۷



۳۱



۳۸





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۷

۲۹ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

به جای مقدمه

زن، زندگی، آزادی

ضمن عرض تسلیت درگذشت مهسا (ژینا) امینی به مردم ایران، نشریه شماره ۴۷ اراده ملت را تقدیم شما خوانندگان عزیز مینمائیم. در این شماره و در ادامه سلسله گزارشات بررسی عملکرد دولت ابراهیم رئیسی به سازمان برنامه و بودجه میپردازیم و با ادامه بحران کم آبی در کشور خصوصا در شهر همدان، دو گزارش مستند در رابطه با این موضوع داریم. با توجه به بازگشائی مدارس در ابتدای مهر ماه، در یادداشت مهر آفرینان نگاهی داریم به وضعیت معلمان. و با توجه به انتخاب نخست وزیر جدید در انگلستان به خصوصیات و ویژگی ها ایشان نگاهی انداخته ایم.

در این شماره دو مصاحبه ترتیب داده ایم یکی با دبیر کل حزب مستقل و اعتدال ایران و دیگری با عضو سابق شورای شهر تبریز از لیست امید. طبق روال بخش های ثابت نشریه را نیز داریم و فیلم نبرد الجزیره، کتاب اخلاق در سیاست، زندگی و آثار یدالله رویایی، روز گفتگوی تمدنها، چالش های چاه کنان و وضعیت پسماند کشور را بازخوانی و یادآوری میکنیم. گلچینی از اخبار ایران و جهان و حزب اراده ملت ایران نیز در انتها تقدیم میگردد. (طرح روی جلد از اینستاگرام گرافیکست آقای عاکف رحمتی، مشهور به کیووکی، برداشته شده است)

جمهوری انسانی

و ایده

خشونت پرهیزی

انسان و در خدمت او خواستن، واقعیت جمهوری اسلامی را به مثابه جمهوری انسانی محقق ساختن و در نتیجه ایده خشونت پرهیزی را در سطح جامعه به عنوان پایه ای برای تنظیم کلیه روابط و مناسبات قرار دادن است.

در صورت عینیت بخشیدن به این ایده، بستری مناسب برای اصلاح شیوه حکومت داری از طریق ایجاد تغییرات اساسی در چهارچوب های قانونی موجود متلازم با آرمان دموکراسی را فراهم خواهد ساخت. در این میان نهادینه کردن حکمرانی مبتنی بر تحزب به معنای واقعی کلمه، ضرورتی گریزناپذیر خواهد بود و می بایست به جد از سوی احزاب فعال مورد مطالبه جدی قرار گیرد. البته نباید از نقش و جایگاهی که سایر نهادهای تأثیرگذار در این مسیر دارند غافل شد از جمله نهاد دین که با بازگشت به کارکرد بنیادین خود از رهگذر درک صحیح و انسانی اقتضائات زمانی و مکانی، در سرعت بخشیدن به روند تحولات مؤثر بوده از یک سو کاستن از هزینه های مترتب بر آن از سوی دیگر مؤثر باشد.

مجموعه اتفاقاتی که اخیراً در سطح کلان مدیریت کشور مشاهده می شود امکان ارائه هرگونه تحلیلی را برای صاحب نظران سخت، مشکل و پیچیده می نماید، از بحث موروئی شدن رهبری، فاجعه زیست محیطی خشک شدن دریاچه ارومیه و ... تا موضوع گشت ارشاد و مرگ جانگداز زنده یاد مهسا امینی و حال علیرغم این پیچیدگی های تحلیلی آنچه عیان تر می شود ضعف مفرط هیئت حاکمه در غیاب جامعه مدنی اعم از احزاب و نهادهای صنفی و رسانه های واقعی و

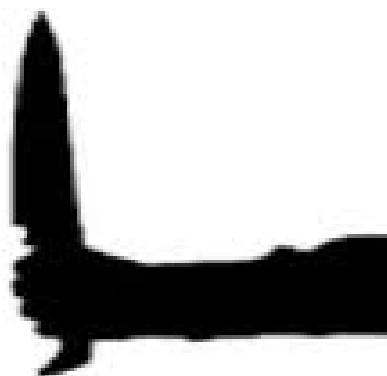
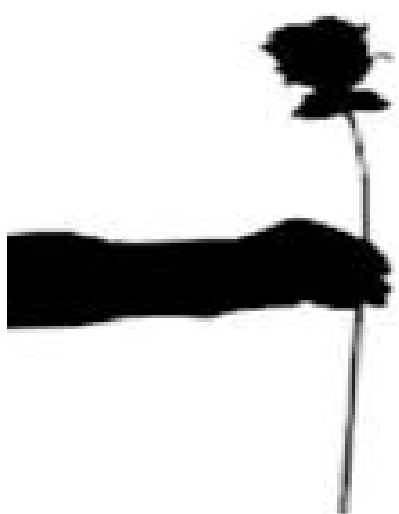
تجربه زیسته بشری به خوبی نشان می دهد هیچ حکومتی نمی تواند ذیل رویکرد ایدئولوژیک و منصرف از نگاه انسانی صلاح و فلاح را به مردمان خود ارمغان آورد. فراموشی انسان و فروکاست دین به ایدئولوژی و فروکاست دوباره آن به فهم فقهی و حاکمیت بخشیدن به آن و از همه مهم تر مقابل هم قرار دادن این دو، چه در ساحت دین و چه در ساحت حکومت می تواند آسیب رسان بوده و هر دو را از کارکرد اصلی و اصیل خود دور کند. قطعاً این دو را برای



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۷

۲۹ شهریور ماه سال ۱۴۰۱



آیا برای هشدارها سرانجامی هست؟

چهارم و هشتم ۳۲ درصد از دانش آموزان، نمره کمتر از ۴۰۰ (کمترین سطح صلاحیت به عنوان آستانه فقر آموزش) کسب کرده‌اند. این شاخص در سطح بین‌المللی ۸ درصد است

• در شاخص جهانی دانش که درصد برقراری پیوند معنادارتر میان توسعه و دانش است؛ ایران در سال ۲۰۲۱ از میان ۱۵۴ کشور، رتبه ۱۰۴ احراز کرد در حالی که در سال ۲۰۲۰ در میان ۱۳۸ کشور در رتبه ۸۰ قرار داشته است.

• در حال حاضر سهم آموزش و پرورش از تولید ناخالص ملی در ایران ۲.۳ درصد و میانگین جهانی ۴ درصد است.

• در حال حاضر بیش از ۱۶ درصد مدارس (بالغیر ۱۸۰۰ مدرسه) غیردولتی هستند که جمعیتی قریب به ۲ میلیون نفر (حدود ۱۳.۵ درصد کل دانش آموزان) را شامل می‌شود.

• بر اساس این گزارش چگالی جمعیت فرهیخته کشور (نسبت افراد با تحصیلات دانشگاهی در نیروی کار، به کل نیروی کار) که بر اساس هدف برنامه ششم توسعه، نزدیک به میزان ۵۰ درصد تعیین شده بود، در حال حاضر به حد ۴۰ درصد رسیده و به سرعت روند کاهشی یافته است. میزان این شاخص در جوامع پیشرو بالای ۵۲ درصد و در کشوری مانند کره جنوبی ۷۸ درصد است.

• تعداد اختراعات و ابداعات فناورانه کشور در مراجع بین‌المللی ۳۰۰

تابستان امسال و در میان هزاران خبر ریزودرستی که در رسانه‌های مختلف انتشار یافت، خبر پیشنهادات فرهنگستان علوم ایران برای تدوین برنامه هفتم توسعه جایگاهی پیدا نکرد و افراد زیادی به آن نپرداخت. از یک طرف خود برنامه توسعه هفتم دیگر چندان هیجانی بر نمی‌انگیزد و نوشته نشده آماده رفتن به بایگانی‌ها است، و از یک طرف هم فرهنگستان علوم و دانشمندان و فرهیختگان حاضر در آن محلی از اعراب برای ساختار برنامه نویسی کشور و مدیران و مجریان امور ندارند. اما به عنوان یک منبع و مرجع مهم و تا حدودی بی‌طرف می‌تواند محل ارجاع بحث امروز ما قرار گیرد. ابتدا نگاهی بی‌اندازیم به بندهای تأسف باری از گزارش این فرهنگستان:

• باوجود بهبود وضعیت دسترسی به آموزش در ایران و افزایش نرخ باسوادی و دسترسی به آموزش ابتدایی، همچنان حدود ۳۰ درصد از جمعیت ۱۸ تا ۲۴ سال، تحصیلات متوسطه دوم ندارند که این میزان بسیار بالاتر از متوسط کشورهای اروپایی (۱۰.۳ درصد) است. مضافاً اینکه بر اساس آخرین سرشماری (۱۳۹۵) ۵۶ درصد از جمعیت کشور فاقد تحصیلات کامل متوسطه بوده‌اند.

• بر اساس نتایج آزمون تیمز و پرلز؛ دانش آموزان ایرانی از کیفیت مناسب آموزش و یادگیری برخوردار نیستند؛ مثلاً در ریاضیات پایه‌های



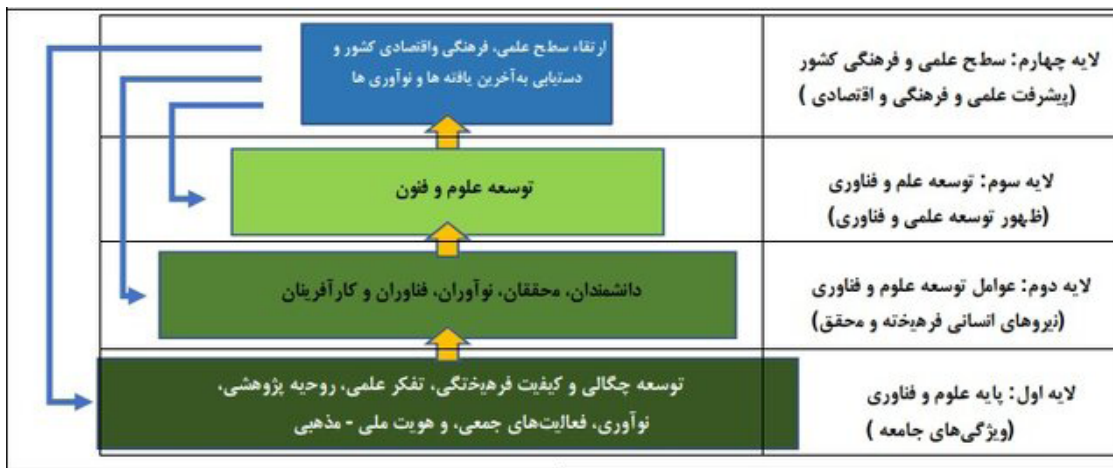
هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۷

۲۹ شهریور ماه سال ۱۴۰۱



The Academy of Sciences
Islamic Republic of Iran



به میزان لازم پرداخت نمی شود، کانال های ارتباطی با پژوهشکده ها و مراکز آموزشی مهم مسدود می گردد، طبقاتی کردن آموزش و کالایی کردن آن با جدیت پیگیری می شود، اصلاحات معکوس در راستای تبلیغ ضد علم و شبه علم در حوزه منابع آموزشی صورت می گیرد و بجای ایجاد تفکر انتقادی در دانش آموزان و دانشجویان، تفکر مقلدانه و ایدئولوژیک ترویج می شود.

در این شرایط و با توجه به برنامه ریزی سایر کشورها در چند سال آینده شاهد عقب افتادگی بیشتر کشور نیز خواهیم بود و چند سال دیگر مجدداً گزارشی را خواهیم خواند از رتبه های پائین تر ایران در بین کشورهای منطقه و جهان. البته چند تدبیر را دولت مردان در آستین دارند: یکی اینکه ساختار فرهنگستان علوم را تغییر دهند و اجازه ندهند مجدداً گزارش های این چنینی منتشر شود.

دوم اینکه مشابه وزیر ارشاد شاخص های بین المللی و جهانی را تخطئه کنند و شاخص های بومی را جایگزین آن نمایند تا بتوانند ما را سرآمد علوم و فناوری در دنیا نشان دهند.

سوم اینکه قید علم و فناوری را بزنند و با پول بادآورده منابع زیرزمینی و طبیعی کشور را واردکننده مطلق کنند و فقط به تربیت تکنسین بی اندیشند.

و نهایتاً اینکه علم و آموزش و پژوهش را انحرافی بدانند در ساحت تمدن بشری و به ساخت تمدنی متفاوت مشغول شوند.

در هر صورت آمارها نشانه های خوبی را بروز نمی دهند و این وظیفه جامعه دانشگاهی و معلمان و فرهیختگان است که باوجود سختی های موجود مداوم هم به انذار دهی خود ادامه دهند و هم با ایجاد هسته های آموزشی و پژوهشی مانع از فروپاشی سیستم آموزش و پژوهش کشور گردند.

درصد محقق شده است که بیانگر توان ملی چشمگیر محققان کشور است، گوهری که متأسفانه هنوز از دید مجریان برنامه توسعه پنهان مانده است. همچنین کماکان سهم اعتبارات پژوهشی و فناوری بخش دولتی از تولید ناخالص داخلی به شدت نازل، نگه داشته شده است، به طوری که این شاخص ۰۶ درصد را نشان می دهد که باهدف برنامه های متعدد توسعه یعنی حداقل ۱۵ درصد، فاصله قابل ملاحظه ای دارد. این شاخص به طور متوسط در کشورهای جامعه اروپا ۲۰۲ درصد است.

البته این گزارش بندهای مثبتی هم دارد؛ مانند اینکه رشد مقالات پژوهشگران ایرانی در مجلات معتبر علمی (ISI) به دو برابر رسیده است (که البته مخالفان بسیار قدرتمند و صاحب نفوذی هم در حاکمیت دارد)؛ اما وضعیت کلی نشان از نامناسب بودن وضعیت آموزش و پژوهش در تمام سطوح در ایران دارد.

از آنجائی که آموزش و پژوهش، بنیان هر حرکتی در دنیای رو به رشد امروز است می توان این گونه نتیجه گرفت که ما در آینده ای نزدیک با وضعیت مخاطره آمیزی روبرو خواهیم شد. در کنار این شاخص ها؛ مهاجرت نیروهای نخبه از کشور، ناامیدی بسیاری از تحصیل کردگان، کیفیت بسیار پائین آموزش در حوزه های علوم انسانی، آموزش های غلط و آمیخته به خرافات و شبه علم، بکار نگرفتن نیروهای نخبه و تحصیل کرده در سطوح مختلف مدیریتی را نیز باید در نظر داشت.

با توجه به این مجموعه اطلاعات و داده ها به نظر می آید سیاست گذاران و متولیان امر باید تمام کارهای دیگر خود را تعطیل کنند و یکپارچه و به صورت شبانه روزی به فکر اصلاح نظام آموزشی کشور باشند اما می بینیم که نه تنها این بحث در اولویت قرار ندارد بلکه عامدانه و آگاهانه در جهت تضعیف همین آموزش ها و پژوهش های نیم بند گام برداشته می شود. هنوز وضعیت معیشتی معلمان و مدرسان حل نشده است، بودجه های پژوهشی

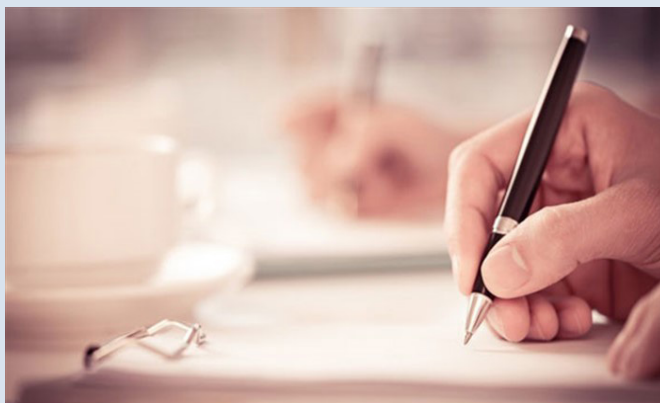


هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۷
۲۹ شهریور ماه سال ۱۴۰۱



نوشتار





نگاهی به عملکرد دولت در آستانه یک سالگی استقرار (۶)
سازمان برنامه و بودجه

سکوت در مورد طرح جراحی اقتصادی دولت



و بحران را می توان تقریباً در تمام عمر هفتاد و اندی ساله این سازمان دید، جز دوره های کوتاهی، سازمان برنامه و بودجه کشور و برنامه های چندساله توسعه یا عمرانی کشور و بودجه سالیانه کشور چندان ملاک عمل و اجرای مدیران ارشد کشور نبوده است و این سازمان از نظر بقیه ارکان دولت به عنوان مزاحم و سد راه تلقی می گردید.

هر چند امید بود با انتخاب مسعود میر کاظمی به عنوان رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور به علت نقش جدی و پررنگ او فرهاد رهبر در طراحی و ریل گذاری اقتصادی و سیاسی رئیسی در انتخابات ریاست جمهوری این مسیر تغییر کند، امیدی که خیلی زود رنگ باخت و در بزرگ ترین برنامه و اقدام دولت سیزدهم که از آن به جراحی اقتصادی تعبیر شد و مدافعین دولت اجرای آن را بزرگ ترین دستاورد دولت سیزدهم می خوانند، هم می توان همان چالش و ایراد دیرینه را دید، در زمان اجرای این برنامه و جراحی اقتصادی از همه مسئولین دولت سیزدهم کلام و مصاحبه ای در این خصوص شنیده و دیدیم اما سخنی از درون این سازمان شنیده نشد، به جای آنکه سازمان برنامه و بودجه کشور که می بایست برنامه اجرایی این جراحی بزرگ اقتصادی را ترسیم نماید و آن را به پیش ببرد وزیر کشاورزی و معاونان او بودند که در حال مصاحبه و بیان برنامه اجرایی این جراحی اقتصادی بودند و با گذشت زمان هم فقدان برنامه برای اجرای این جراحی بزرگ اقتصادی مشخص تر گردید، تردیدها و مشخص نبودن میزان یارانه نقدی و نحوه پرداخت آن، آن چنانکه هنوز بعد از گذشت ماه ها، سامانه

ابراهیم رئیسی در خردادماه سال ۱۴۰۰ پیروز انتخابات شد و فرایند تشکیل دولت را آغاز کرد. این فرایند تا انتهای مردادماه همان سال طول کشید و عملاً از شهریورماه سال ۱۴۰۰، وزیر امور و سبای جدید مستقر شده و برنامه های پیشنهادی و ادعایی خویش را شروع کردند. بر آنیم تا در سلسله مقالاتی به بررسی عملکرد یک ساله برخی از زیر مجموعه های دولت سیزدهم بپردازیم.

سید ابراهیم رئیسی، ۱۹ خرداد ۱۴۰۰، در دیدار با مردم خوزستان در ورزشگاه تختی اهواز: «ما در کشور اهل اینکه "نمی شود، نمی توانیم، مگر می شود؟ کو بودجه؟ کو اعتبارات؟" نیستیم. ما اصحاب "ما می توانیم" هستیم».

این جملات و شعارها را می بایست نمونه ای از تبلور نگاه رئیس دولت سیزدهم در حوزه سازمان برنامه و بودجه کشور دانست، سازمانی که از بدو تأسیس با بحران ها و چالش های متعددی همراه بوده و از آنجا که بنا بوده که فرآیند برنامه ریزی و نظارت بر اجرای برنامه های توسعه ای و عمرانی کشور را اجرا نماید و پروژه توسعه کشور را به پیش ببرد، گاه با بازی های سیاسی مردان سیاست در تضاد قرار گرفته و باعث به حاشیه راندن و حتی انحلال این سازمان در سال ۱۳۸۵ گردید.

در حقیقت مهم ترین و قدیمی ترین چالش سازمان برنامه را می توان در همان سخنان آغازین هشتمین رئیس جمهوری دید، عدم به رسمیت شناختن سازمان برنامه و بودجه کشور در ساختار سیاسی و اداری کشور. این چالش



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۷

۲۹ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

جراحی اقتصادی و در نشست با روسای اداره‌های استانی این سازمان، از عزم سازمان برای کاهش نرخ تورم سخن می‌گفت و پیش از آن از مدعی تأثیر نهایت ۶ یا ۷ درصدی حذف ارز ترجیحی بر تورم بود و البته در همان زمان غول تورم افسار بریده بود و رکوردهای جدید ثبت می‌کرد.

یکی دیگر از چالش‌های جدی نظام بودجه‌ای کشور، استقراض دولت‌ها از بانک مرکزی بود، استقراضی که به شکل چاپ و انتشار پول بدون پشتوانه اتفاق می‌افتاد و حساب بدهی دولت به بانک مرکزی در ترازنامه بانک مرکزی افزایش و در نتیجه پایه پولی و عرضه پول افزوده می‌شود و باعث افزایش نرخ تورم در کشور می‌شد، سیاستی که در برنامه سوم توسعه کشور ممنوع شد، با این ممنوعیت دولت مسیر دیگری را طی کرد و تعهدات و تکالیف بودجه‌ای را از طریق منابع بانک‌ها تأمین نماید و به استقراض غیرمستقیم از بانک مرکزی دست زد که چهار سال پیش دولت به علت اثرات منفی آن از این سیاست دست کشید و پس از آن دولت با استقراض از صندوق توسعه ملی این کسری بودجه خود را جبران می‌کرد که با اتمام منابع صندوق توسعه ملی، گویا در سال گذشته دولت اگرچه به سمت استقراض مستقیم از بانک مرکزی نرفته ولی مجدداً با فشار بر بانک‌ها و از طریق استقراض از بانک‌های دولتی کسری بودجه خود را تأمین می‌کند و البته که بانک‌های دولتی این استقراض‌ها و بدهی‌ها را از بانک مرکزی دریافت می‌کنند و در عمل پایه پولی و نقدینگی در جامعه افزایش یافته و این افزایش خود را به شکل تورم بروز و نمایش می‌دهد.

یکی دیگر از پرچالش‌ترین نقطه‌های بودجه سال ۱۴۰۱ تعیین نرخ رشد اقتصادی ۸ درصدی با وجود تداوم تحریم‌ها بود، میر کاظمی در مصاحبه‌ای این نرخ اقتصادی رو با توجه به عملکرد ضعیف دولت قبل و نیز رفع محدودیت‌های کرونایی کاملاً واقعی و درست تعیین کرده بود و البته می‌بایست تا انتهای سال صبر کنیم تا ببینیم تأثیر سیاست‌های دولت چه خواهد بود و نرخ رشد اقتصادی و نرخ تورم در پایان سال چگونه خواهد بود.

الکترونیکی لازم برای صدور کالا برگ به مردم راه‌اندازی نشده است و جالب آنکه در تیرماه در واکنش به برخی گمانه‌زنی‌ها در مورد ابراز نارضایتی میر کاظمی از مبلغ یارانه پرداختی جدید، این سازمان در بیانیه‌ای بر لزوم صدور کالا برگ تأکید کرد و این گمانه‌زنی‌ها را اشتباه معرفی نمود.

چالش دیگری که میر کاظمی و سازمان برنامه با آن مواجه بودند نحوه پرداخت یارانه‌های نقدی به مردم بود که همان‌طور که در بالا به آن اشاره شد هنوز بعد از گذشت یک سال از ریاست میر کاظمی بر سازمان برنامه، هیچ برنامه و طرح مشخصی برای این پرداخت‌ها وجود ندارد و مشخص نیست که برنامه و نظر دولت برای رفع ایرادها و اشکال پرداخت مستقیم یارانه‌ها چیست؟ و چه زمانی پرداخت یارانه نقدی قطع و کالا برگ الکترونیکی جایگزین آن خواهد شد؟

یکی دیگر از شعارهای گروه اقتصادی دولت سیزدهم، افزایش کف حقوق دریافتی بود که بر همین اساس و در شورای تعیین حقوق و دستمزد، در پایان سال گذشته برخلاف افزایش ده درصدی حقوق و دستمزد در لایحه بودجه پیشنهادی دولت برای سال جاری، افزایش ۵۷ درصدی تصویب شد و با اندکی تغییرات در جلسه هیئت دولت هم تصویب شد (میزان افزایش حق مسکن و حق خواروبار) مصوبه‌ای که اگرچه برای بخش خصوصی کشور لازم‌الاجرا و قطعی شده بود اما توسط خود دولت و برخی نهادهای عمومی همچون شهرداری‌ها نادیده گرفته شد و اجرایی نشد و سبب اعتراضات بسیاری در کشور خصوصاً در میان بازنشسته‌ها گردید.

به باور بسیاری از اقتصاددانان کسری بودجه سالیانه کشور یکی از عوامل مؤثر بر نرخ تورم کشور می‌باشد و کاهش این کسری بودجه می‌تواند باعث کاهش نرخ تورم در کشور گردد و نمونه موفق این سیاست را می‌توان در دولت هفتم (اول سید محمد خاتمی) دید، اما متأسفانه بر اساس آمار و اطلاعات و روند پیش رو بودجه ۱۴۰۱ هم دچار بلیه کسری بودجه شدید می‌باشد و باعث افزایش نرخ تورم خواهد شد، جالب آنکه اندکی پس از





آیا تاجری جدیدی نخست وزیر شده است؟



مهم ترین برنامه های اقتصادی لیز تراس در شرایط نابسامان اقتصادی انگلستان و افزایش قبض های انرژی خانواده ها، کاهش مالیات است. خانم تراس قصد دارد هزینه های مالیات شرکت ها را تا ۳۰ میلیارد پوند در سال کاهش دهد و مالیات بر ارزش افزوده را نیز برای کمک به خانواده ها تا ۵ درصد کاهش دهد.

در شرایط حاد بحران اقتصادی، لیز تراس برخلاف حزب کارگر که دنبال برنامه رفاه اجتماعی هستند معتقد است راه حل مشکلات اقتصادی بریتانیا افزایش هزینه های رفاهی نیست، بلکه تصمیم صحیح، تحریک اقتصاد از طریق سیاست های مالیاتی پایین است و استدلال می کند که نگاه کردن به همه سیاست های اقتصادی از طریق ”دریچه توزیع مجدد کمک های دولتی“ مسیر اشتباه است.

یکی دیگر از بحران های جدی در انگلستان، بحران انرژی است که رابطه مستقیمی با تورم دارد که در صورت عدم کنترل بسیاری از کسب و کارها را ورشکسته خواهد کرد و خانواده ها را تحت فشار قرار می دهد. افزایش برنامه ریزی شده سقف قیمت انرژی در ماه اکتبر و چشم انداز افزایش های ترسانک تر در طول زمستان، بزرگ ترین و جدی ترین مشکلی است که تراس با آن مواجه خواهد بود.

هر چند تابستان نارضایتی به اتمام رسیده است اما پاییز اعتصابات در راه است. و کلای دادگستری اولین گروه در صف اعتصاب ها هستند و اعتصابات راه آهن به لطف بن بست مذاکرات بین مدیران صنعت و رهبران اتحادیه ها ادامه خواهد داشت، همچنین کارمندان دولت، پزشکان، پرستاران و معلمان چشم انداز مثبتی برای بهبود اقتصادی خود ندارند.

۵ سپتامبر خانم لیز تراس ۴۷ ساله به عنوان نخست وزیر جدید بریتانیا انتخاب شد. او تحصیل کرده رشته سیاست، فلسفه و اقتصاد از کالج مرتون آکسفورد است. لیز تراس قبل از ورود به سیاست، به مدت ۱۰ سال در صنعت انرژی و مخابرات به عنوان مدیر بازرگانی و مدیر اقتصاد کار کرده است.

علیرغم اینکه لیز تراس از والدینی چپ گرا متولد شده است و قبلاً یکی از اعضای حزب لیبرال دموکرات بوده است، برخلاف صداهای میانه تر مانند تام توگندات (رئیس کمیته امور خارجی پارلمان بریتانیا) و رقیب سابق انتخاباتی، به طور گسترده ای در سمت راست حزب محافظه کار دیده می شود.

او ابتدا در سال ۲۰۰۶ به عنوان عضو شورای شهر گرینویچ انتخاب شد و سپس در سال ۲۰۱۰ به عنوان نماینده مجلس نورفولک جنوب غربی انتخاب شد. خانم تراس قبل از تصدی وزارت امور خارجه به عنوان وزیر آموزش و پرورش، وزیر محیط زیست، وزیر دادگستری، وزیر خزانهداری، وزیر امور خارجه تجارت بین المللی، رئیس هیئت تجارت وزیر برای زنان و برابری ها خدمت کرده است.

تفکرات راست لیز تراس باعث شده است او را با مارگارت تاچر یکی از برگ های برنده او در و کپی کردن ژست ها و لباس های مارگارت تاچر یکی از برگ های برنده او در پیروزی برای رهبری حزب محافظه کار بوده است. او برای اولین بار در تاریخ بریتانیا، هیچ یک از چهار پست اصلی دولتی: نخست وزیر، وزیر خزانهداری، وزیر خارجه و وزیر کشور را در اختیار یک مرد سفید پوست قرار نداده است.

بدون شک بحران اقتصادی مهم ترین چالش پیش روی لیز تراس است و تورم ده ده درصدی انگلستان در ماه های آینده به ۱۳ درصد افزایش پیدا خواهد کرد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۷

۲۹ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

او سیاست‌های حزب محافظه کار را در اولویت قرار داده است؛ اما برخلاف لیز تراس، هیلاری کلینتون با انتشار عکس در حال رقص خود در توئیتر، در حمایت از نخست‌وزیر زن فنلاند خواست تا به رقصیدن ادامه دهد.

لیز تراس در شروع کار آن چنان علاقه‌ای به حمایت از جنبش‌ها و حرکت‌های مرتبط با مبارزه علیه نابرابری جنسیتی نشان نداده است و با وجود اینکه تا قبل از این در کنار پست وزیر امور خارجه، مسئولیت وزارت زنان و برابری هم بر عهده داشت اما در مورد رویکرد خود در برابر سیاست‌های جنسیتی در مقابل افکار عمومی سکوت کرده است.

باین حال، حتی برخی از منتقدان حزب محافظه کار، تعهد او نسبت به دفاع از حقوق باروری را زیر سؤال برده‌اند. او به عنوان وزیر امور خارجه هیچ اظهارنظری در مورد قانون سقط جنین در ایالات متحده نداشته و هیچ مخالفتی با حذف آزادی سقط جنین برای زنان نداشته است.

لیز تراس تنها در یک مصاحبه از عبارت فمینیسم استفاده کرده است و این چنین بیان کرد: زنان باید مستقل باشند و نباید به عنوان قربانیان که نیاز به حمایت ویژه دولت دارند شناخته شوند، زنان باید افراد مستقلی نام برده شوند که سیاست‌های دولتی و قوانین به دنبال توانمندسازی آن‌ها هستند.

جنگ او کراین، بحران انرژی زمستان پیش رو اروپا و اقتصاد ناپایمان انگلستان شرایط سختی را برای نخست‌وزیر محافظه کار ایجاد خواهد کرد و در دو سال آینده حزب محافظه کار انگلستان در قبال طرفداران و افکار عمومی خود باید پاسخگوی سیاست‌های جدید خانم لیز تراس باشد.

موضع بسیار مهمی که رسانه‌ها و افکار عمومی بخصوص کنشگران جامعه زنان مورد توجه قرار داده‌اند، موضوع برابری جنسیتی است. با انتخاب لیز تراس به عنوان نخست‌وزیر انگلستان، این کشور با در نظر گرفتن رهبران زن از بسیاری از کشورها پیشی گرفته است. خانم تراس با شکست هم‌حزبی خود ریشی سوناک بعد از مارگارت تاچر و ترزای به عنوان سومین نخست‌وزیر این کشور انتخاب شده است. بسیاری از تحلیلگران با تردید نسبت به نتایج این انتخاب برای مقابله با نابرابری جنسیتی نگاه می‌کنند و هشدارهایی که نتیجه آن تضمین پیشرفت برای زنان در مقایسه با سایر نقاط جهان خواهد بود مطرح می‌کنند.

تنها ۶۳ کشور تا به حال یک زن را در بالاترین مقام قدرت انتخاب کرده‌اند و بریتانیا در حال حاضر در کنار ایسلند، نیوزلند، لیتوانی و لهستان با سه رئیس دولت زن قرار دارد. در این رتبه‌بندی، سوئیس با پنج و فنلاند با چهار رهبری زنان رتبه‌های اول و دوم را دارند.

بسیاری از فمینیست‌ها در بریتانیا و دیگر کشورها، حتی مخالفین تراس احتمالاً به خاطر شکستن شدن سقف شیشه‌ای در این کشور خوشحال خواهند بود؛ اما مبارزات کمپین انتخاباتی او نشان می‌دهد، پیشرو بودن لیز تراس به عنوان یک رهبر زن برای او در مرتبه اهمیت اول قرار ندارد، بلکه همچون مارگارت تاچر وفاداری او در درجه اول به حزب محافظه کار انگلستان مربوط می‌شود و نه جنسیت او.

این موضوع در عدم حمایت لیز تراس از نخست‌وزیر زن فنلاند (سنا مارین) که به خاطر انتشار ویدیوی مهمانی خصوصی مورد حمله قرار گرفت، به خوبی نشان می‌دهد که اولویت‌های لیز تراس فراتر از مطالبات فعالین حقوق زنان است و





گزارش



همدان، قربانی خودکفایی!



به دنبال قطعی یک ماهه آب در همدان و بروز بحران در این شهر که روزگاری باغ شهر و پایتخت سبز جهان اسلام شناخته می شد، در شعبه همدان حزب حامان نشستی با حضور فعالان مدنی حوزه آب تشکیل شد. آنچه می خوانید گزارشی از این برنامه است.

فلات خشک ایران در گذشته

ابوالقاسم سوزنچی جوان روزهای پیشین و پیشکسوت امروزی با سابقه پنجاه ساله فعالیت مدنی در حوزه آب و خاک ضمن بررسی وضعیت فلات ایران و اقلیم گرم و خشک کشورمان به روش های مهندسی و کارآمدی که در گذشته انجام می شد و پویایی و پایایی این سرزمین را به دنبال داشت اشاره کرد:

ما در کشوری زندگی می کنیم که متوسط میزان بارندگی در آن ۲۴۰ میلی متر معکب است، در حالی که سرعت تبخیر در ایران ۳ برابر متوسط جهانی است. با این حال تاریخچه حفر و ساخت قنات در ایران به صدها سال پیش بازمی گردد، زمانی که در گناباد قناتی به طول ۶۰ کیلومتر حفر کردند و سال های متمادی تأمین آب منطقه خشک پیرامونش را سبب می شد. مردم محلی هم اجازه ندادند که چاهی در مسیر این قنات حیرت انگیز حفر شود؛ در ۳۰۰۰ سال پیش در زابل چاه هایی حفر کردند که اگر حقایق ایران را از هیرمند باز پس می گرفتند و این چاه ها پر می شد، توان مشروب ساختن منطقه سیستان را به مدت سه سال داشت.

گلوگاه بحران آب همدان

این فعال مدنی و رئیس خانه کشاورز همدان با تبیین شرایط جغرافیایی و محیط زیستی همدان بروز چنین بحرانی را مستقیماً مرتبط با سو مدیریت عنوان کرد و ادامه داد:

همدان شهری کوهستانی است، همین کوهستانی بودن مزید بر علت است که در این سرزمین سیل نیاید، اینکه چند سال پیش هم شاهد بالا آمدن آب در منطقه بین النهرین بودیم، نتیجه دخالت نایبای مدیران شهری بود. چرا که ۹۰ درصد سیل ها به دنبال دست کاری در طبیعت به وجود می آید. این شهر کوهستانی با دارا بودن رودخانه های اصلی و سرریز شدن به دشت های استان وجود برف در ارتفاعات، قاعدتاً از نظر تشکیل سفره آب زیرزمینی و سیراب ساختن دشت ها مشکلی نخواهد داشت، اما متأسفانه از آنجایی که به مدد مدیران ناکارآمد بر مسیر رودخانه ها سد ساختند و ارتفاعات را باغ کردند، هارمونی و نظم طبیعی بهم خورد و این روزها چنین بحرانی را شاهد هستیم.

تغذیه دشت ها با رودخانه

این فعال حوزه آب به فرو چاله عمیق و خطرناکی که در دشت کیودرآهنگ به عمق ۳۰ متر و محیط ۱۵۰ متر ایجاد شده اشاره کرد و تشکیل چنین گودالی را به دنبال بستن آب به روی دشت ها و تأسیس نیروگاه کیودرآهنگ دانست، زیرا به گفته سازمان جهانی غذا (فائو) ۱۰ درصد آب های جاری باید صرف تغذیه دشت ها باشد که چنین مهمی در همدان و اغلب نقاط ایران اجرا نشده است.

مافیای سدسازی

رئیس خانه کشاورز به سیاست های کلانی که در درازمدت منجر به بروز چنین فجایی در ایران و همدان شد اشاره کرد و معتقد بود: به طور میانگین ۶۷ سد ساخته شده که پشت ۱۶ تا ۲۰ آن ها آبی جمع نشده است! درواقع سدها منابعی پرسود برای جیب مافیا و ضرر ده برای زمین و مردم هستند. از ابتدای انقلاب تاکنون بودجه وزارت نیرو ۹۷ برابر شده است؛ از این میزان، ۹۷ درصد مختص پروژه های کلان و تنها ۳ درصد

شخصی و حفر چاه در هر یک، سبب بهره کشی مضاعف از سفره های آب زیرزمینی است که متعلق به همگان و تمامی نسل هاست.

شورای تأمین، راه برون رفت مشکل؟! این کشاورز دغدغه مند ضمن اعلام خبر ثبت تشکل احیاءگری مطالبه گران آب و خاک، به پیشنهادی که به دادستان همدان برای پیگیری مجدانه این بحران داده بود اشاره کرد و گفت: شورای تأمین استان هافراقانونی است و آقایان مسئول می توانند باتشکیل این شورا و استناد به مصوبات آن هر چه سریع تر اقدام عاجل و مؤثر برای حل این بحران اتخاذ کنند.

در ادامه نشست فتحعلی حسینی فرماندار سابق رزن و عضو حزب اراده ملت ایران، افزایش جمعیت، صنعتی شدن شهرها، افزایش گرمای زمین، خشک سالی، آلودگی منابع آبی و بلایای طبیعی را در بروز کم آبی در اقصی نقاط جهان مؤثر دانست. هم چنین دسترسی نداشتن به سرشاخه های اصلی رودخانه هایی چون هیرمند و خروج آب از رودهای مهم کشور را نیز در تشدید این شرایط در کشور ایران مؤثر دانست. وی بحران آب همدان را به طور اخص مرتبط با عوامل زیر بیان کرد:

- ۷۰ تا ۹۰ درصد_ هدر رفت در بخش کشاورزی
- ۳۵ درصد_ پرت آب در شبکه همدان
- ۱ درصد_ الگوی نامناسب آب مصرف شهری



در ادامه، عضو حزب حاما به غلط بودن شعار خودکفایی در عرصه کشاورزی اشاره کرد و این گزاره از پایه نادرست را مقدمه ای بر کشت محصولات آب بر، کشت های چندباره در زمین و حفر چاه های غیرمجاز دانست.

وی به اقداماتی که در دوران تصدی گری خود در رزن جهت مدیریت شرایط آب منطقه انجام داده است اشاره کرد:

- تشویق مردم به کشت محصولات کم آب بر
- تغییر الگوی کشت و آبیاری کشاورزان
- پیگیری چاه های غیرمجاز و بستن آن ها
- تشکیل سمن ها و تشکل های مردم نهاد

برای حفظ چاه ها تخصیص یافته است. درحالی که بودجه وزارت کشاورزی طی این سال ها و با توجه به تورم ۳ یا ۴ برابر رشد داشته است! در همدان نیز سد اکباتانی را ساختند که هیچ چشمه زاینده ای به آن وارد نمی شود و صرفاً با ذوب برف ارتفاعات تاکنون سرپا مانده که آن هم با تغییرات اقلیمی و کاهش بارش ها منبع مناسبی برای تأمین این سد نیست. از طرفی هم اکنون از ظرفیت ۳۶ میلیون مترمکعبی سد اکباتان، ۶ میلیونش رسوبات ماسه ای است که سبب کاهش ظرفیت سد شده و این نشان از مکان یابی نامناسب برای ساخت این سد است.

چرا همدان؟

سوزنچی عوامل بروز بحران آب را در همدان بدین شکل تقسیم بندی کرد و معتقد بود:

□ حفر چاه های غیرمجاز: زمانی که نیروگاه مفتاح به بهره برداری رسید تنها ۲۸ حلقه چاه برای این نیروگاه حفر کردند، درحالی که هم زمان ۴۵۰۰ حلقه چاه غیرمجاز در این منطقه بود.

● کشت دوباره از زمین های کشاورزی آبی: در شهر همدان، از ۹۵ حلقه چاه، کشت دوباره انجام می شود. بدون کنترل بودن چاه های آب و به دنبال آن کشت های چندباره در زمین های کشاورزی استان سبب کاهش توان اکولوژیکی خاک و ذخایر آب های زیرزمینی است؛ چراکه اگر بدانیم چه بلایی سر خاک این سرزمین آورده ایم بحران آب برایمان کمرنگ می شود؛ زیرا جبران کم آبی و حل بحرانش مقدور است اما برای تشکیل

یک سانتی متر خاک به ۱۵۰ سال زمان نیاز است. هم چنین طبق مستندات فائو، ما ۳۰۰ میلیارد مترمکعب ذخایر آبی داشتیم که سهمیه آینده فرزندانمان بود درحالی که با این شیوه مصرف و مدیریت ۱۳۰ میلیارد مترمکعب آن را مصرف کرده ایم.

● عشایر و چرای بی رویه دام ها در همدان: طبق آماری که امسال منتشر شد ۶۷۰۰ رأس گوسفند جهت چرا وارد مراتع و اراضی همدان شده است. گوسفندی که اگر ۷ ماه به صورت ساکن تغذیه شود به وزن مطلوب کشتار یعنی ۳۰ تا ۴۰ کیلوگرم می رسد اما وقتی با عشایر حرکت می کند طی یک سال به این وزن هم نمی رسد و چنین هدر رفت منابعی برای تأمین گوشت حقیقتاً دوسر باخت برای هر اقلیمی است.

● گسترش باغات: در منطقه عباس آباد همدان ۴۰۰ هکتار باغ داشتیم که امروزه به ۸۵۰ هکتار تبدیل شده است. این گسترش بی ضابطه باغ های



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۷

۲۹ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

افتخار صادرات سیب زمینی در کشوری خشک به چه می ماند؟



با توجه به بی آبی و تشنگی که چند ماه است بر همدان حاکم شده است، بر چگونگی هدر رفت منابع آبی، کشت سیب زمینی، موضوع اصلاح الگوی کشت و نظارت های سست آب منطقه ای در برخی از حوزه های لازم را در کشور و استان مرور کرده ایم.

است را صادر کنید؟

چگونه است در اقلیمی که خشک و نیمه خشک است مسئولان آن تصمیم بر کشت وسیع سیب زمینی و صادرات محصولی که ۷۰ تا ۷۵ درصد آب دارد می گیرند؟

کشت دو بار در سال سیب زمینی در یک زمین مشخص، هدر رفت بیش از حد منابع آبی است

مشاهده می شود که بخشی از کشاورزان در استان همدان کشت زمینی را در سال دو نوبت انجام می دهند و سال آینده نیز همان شرایط دردناک را بر زمین و منابع آبی آن تحمیل! (نمونه موردی شهرستان بهار) جهاد کشاورزی استان عنوان کرد که این سازمان در راستای اصلاح الگوی کشت و نظارت هایی که در این زمینه داشته است زمین هایی را که اقدام به کشت دوباره سیب زمینی می کنند شناسایی کرده است و مشخصات را در اختیار آب منطقه ای است که وظیفه تأمین منابع آبی برای توزیع را دارد قرار داده است تا اقدامات لازم را انجام دهد؛ به عبارت دیگر این گونه به نظر می رسد که جهاد خود نمی تواند اقدامی قانونی در راستای جلوگیری از تخلف روی داده به عمل آورد و این آب منطقه ای است که بایستی با نصب کنتورهای هوشمند بر میزان آب منابع زیرزمینی و مورد استفاده کشاورزان نظارت داشته باشد.

آب منطقه ای برای استفاده بیش از حد منابع آبی زیرزمینی توسط کشاورزان چه کرد؟

اینکه به چه میزان جهاد کشاورزی در شناسایی کشاورزان متخلف در کشت محصولات آب بر موفق بوده است و چقدر در این حوزه جدای از فخر به قطب سیب زمینی و رتبه برتر کشت در کشور، پیگیر حفظ منابع

به گزارش خبرنگار اراده ملت-حمید سپهری- چند ماه است که همدان تشنه از آب به سر می برد، مسئولان زمانی که بی آبی سایه شوم خود را بر این شهر مستولی گرداند به صرافت افتادند که دیگر با این حجم از اعتراض نمی توان وقت را به جلسات بی حاصل گذراند! نشست هایی که طول عمرشان به ۱۷ سال می رسید، تصمیم بر آن گرفته بودند که منابع آبی یک دیار دیگر را به مقصد که همدان باشد انتقال دهند.

خوب می دانید و کارشناسان امر نیز بر این باور هستند که انتقال آب از مبدأ به مقصد دارای آثار زیان بار برای هر دونقطه مقصد و مبدأ است و موجب از میان رفتن توان اکولوژیکی مبدأ و زندگی جاری در آن محیط است. اما خوب این کوتاه ترین و ساده ترین اقدام ممکن برای مسئولانی است که زمانی دراز را بی توجه به داده های علمی به دست آمده در این حوزه روزگار گذرانده اند و در جوار آن عده ای نیز پروژه های چند هزار میلیاردی را عهده دار خواهند شد، طرح هایی که با بی تدبیری مدیران روز به روز بر شمار آن ها افزوده می شود و طبیعت را غمگین و حیات را با تهدید مواجه!

فخری که بی آبی را نصیب کرد؛ قطب سیب زمینی بودن!

آیا تمایل دارید که برای مقاطعی قطب سیب زمینی در کشور باشید یا آن که بی آبی و استیصال ناشی از آن را تجربه کنید؟
آیا تمایل دارید سالانه فلان مقدار سیب زمینی که حکم آب مجازی را دارد و کمتر کشوری که اقلیمی نیمه خشک دارد حاضر به صادرات آن



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۷
۲۹ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

آبی با اصلاح الگوی کشت و مقولات مرتبط دیگر بوده است موضوع قابل تأملی است که نتیجه موجود در تشنگی همدان پاسخی مناسب است. آب منطقه ای استان آبا نظارتی بر روی زمین هایی که اقدام به کشت محصولات آب برمی کنند و یا دو بار در سال کشت می کنند و اصلاح الگوی کشت را رعایت نمی کنند از منظر استفاده منابع آبی زیرزمینی کرده است؟ قطعاً مؤثر و به اندازه لازم و کافی نبوده است که نتیجه را این گونه شاهد هستید! یعنی ترک فعل مسئولان مرتبط بایستی بررسی شود

نقش محیط زیست در حفظ منابع آبی و خاکی پررنگ شود

ضمناً فراموش نکنید نقش محیط زیست استان ها را در حفظ منابع آبی و خاکی که می توانند به عنوان نهادی ناظر بر عملکرد دیگر دستگاه ها ورود پیدا کنند و به ایفای نقش بپردازند یعنی نقشی نظارتی را در این حوزه به عهده دارند و در سند آمایش سرزمین نیز آمده است.

برای روشن شدن موضوع قدری هم به نظرات کارشناسان و آمارهای ارائه شده بپردازیم:

سیب زمینی محصولی است که ۷۰ تا ۷۵ درصد آب دارد

اسدیان رئیس مرکز تحقیقات کشاورزی استان همدان با اشاره به اینکه سیب زمینی محصولی است که ۷۰ تا ۷۵ درصد آب دارد با تأکید بر اینکه در قسمت های مختلف اگر سیستم های آبیاری رعایت شود، میزان آب مصرفی به کمتر از یک سوم تقلیل پیدا می کند، بیان کرد: این اقدامات را با استفاده از آزمون و خطا نمی توان انجام داد بلکه باید با استفاده از نتایج طرح های تحقیقاتی اجرا شود و تا نیاز آبی گیاه را کاهش دهیم/ایسنا

آیا تولید این حجم از سیب زمینی در منطقه ای که خشک و نیمه خشک است و منابع آبی آن در حداقل ممکن قرار دارند جایز است؟ چرا نظارت کافی بر میزان برداشت آب های زیرزمینی توسط کشاورزان انجام نشده است و هنوز اصلاحی در تنوع کشت و عدم تکرار کشت توسط بخشی از کشاورزان انجام نمی شود؟

صادرات ۷۰ هزار تن سیب زمینی از ابتدای سال تا آبان ماه

حسین فضلی، مدیر توسعه و بازرگانی سازمان جهاد کشاورزی همدان از صادرات ۷۰ هزار تن از سیب زمینی این استان از ابتدای سال تاکنون خبر داد./آبان ۱۴۰۰ ایرنا

به نظر شما این حجم از صادرات چه میزان آب را از کشور و استان خارج کرده است با توجه به اینکه هر کیلو سیب زمینی به ۸۰۰ لیتر آب نیاز دارد؟ آیا از نظر ارزیابی مقرون به صرفه است؟

گزارش بررسی شده در این زمینه را می خوانیم:

معاون وزیر کشاورزی: میانگین تولید در سطح هر هکتار محصول سیب زمینی در کشور در حال حاضر ۳۲ تن است این در حالی که است که این رقم باید ۲ برابر شود. (معاون زراعت وزیر جهاد کشاورزی، ۱۵ آذر ۱۴۰۰_اطلاعات)

مدیرکل دفتر امور محصولات علوفه ای وزارت جهاد کشاورزی: در سال جاری میزان صادرات این محصول ۹۵۰ هزار تن بوده است. (۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۰)

مدیرکل دفتر امور محصولات علوفه ای و جالیزی وزارت جهاد کشاورزی: کشور با تولید ۵ میلیون و ۱۰۰ هزار تن سیب زمینی در سطح بیش از ۱۶۰ هکتار رتبه ۱۳ جهان را کسب کرده است. (۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۰)



رئیس هیئت مدیره انجمن ملی سیب زمینی: با این تفاسیر هر سال محصول سیب زمینی به امید بازارهای صادراتی با هزینه بالا تولید می شود در پی آن حجم قابل توجهی آب مجازی به کشورهای دیگر صادر می شود و این نکته حائز اهمیت است که برخی از کشورها خود توان تولید و امکانات کشت محصولی، چون سیب زمینی را در حجم وسیع دارند، اما واردات آن را به صرفه تر از تولید می دانند.

با توجه به اعداد و ارقام بالا و اظهارات مسئولان به نتایج زیر می رسیم و سوالاتی مطرح می شود که پاسخی برای آنان نیافتیم.

به اندازه برداشت استان یزد و چهارمحال و بختیاری آب صرف سیب زمینی کرده ایم

تولید سالانه ۹۵۰ هزار تن سیب زمینی در استان / یک پنجم سیب زمینی کشور در استان همدان تولید می شود

منصور رضوانی جلال رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان همدان با بیان اینکه سالانه ۹۵۰ هزار تن سیب زمینی در این استان تولید می شود، گفت: همدان قطب تولید محصول سیب زمینی کشور است.

منصور رضوانی جلال، افزود: امسال ۲۰ هزار هکتار از اراضی کشاورزی استان به کشت سیب زمینی اختصاص داشت و متوسط برداشت محصول ۳۴ تا ۴۰ تن در هر هکتار است.

وی با بیان اینکه یک پنجم سیب زمینی کشور در استان همدان تولید می شود، گفت: شهرستان بهار با پنج هزار و ۹۴۰ هکتار زمین زیر کشت سیب زمینی و تولید ۲۵۰ هزار تن رتبه نخست تولید سیب زمینی استان همدان را دارد./ایرنا آبان ۱۴۰۰



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۷

۲۹ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

سیب زمینی کاهش پیدا کند چراکه بیش از اینکه پول کشاورز از دست برود آب کشور هدر می رود.

با این وجود این محصول به صورت مازاد و با کشت سنتی در کشور تولید می شود، اما برخی از کارشناسان عقیده دارند که این محصول اگر با بهترین قیمت هم صادر شود به دلیل آنکه صادرات آب مجازی محسوب می شود هیچ صرفه اقتصادی برای کشور ندارد.

بهره گیری از جامع ترین الگوی کشت یعنی تعیین یک نظام کشاورزی با مزیت اقتصادی پایدار

استان همدان با عملکرد ۴۳۲۷۱ کیلوگرم در هکتار بیشترین عملکرد سیب زمینی آبی کشور را داراست و در رتبه نخست قرار گرفته است. (طبق آمارنامه جهاد کشاورزی) بهره گیری از جامع ترین الگوی کشت یعنی تعیین یک نظام کشاورزی با مزیت اقتصادی پایدار مبتنی بر سیاست های کلان کشور، دانش بومی کشاورزان و بهره گیری بهینه از ظرفیت های منطقه ای با رعایت اصول اکوفیزیولوژیک و تولید محصولات کشاورزی در راستای حفظ محیط زیست است (اسدیور و کوپاهی ۱۳۸۶)

این تعریف بیانگر آن است که در بسیاری از مناطق کشور کشت محصولات زراعی و باغی متناسب با ظرفیت های منطقه، عوامل تولید و محدودیت های اقلیمی صورت پذیرد. این امر مدیران و برنامه ریزان را ملزم می کند برای بهبود وضعیت سفره های آب زیرزمینی و افزایش کارایی مصرف آب حرکت کنند همچنین باید نسبت به تخصیص زمین های کشاورزی یک منطقه به انواع محصولات زراعی و باغی که از سوی جهاد کشاورزی تعیین شده اقدام گردد. لذا همسویی با سیاست های دولت ارائه ترکیب از پیش تعیین شده کشت و آرایش برای مجموعه ای از محصولات مطابق با شرایط محیطی و پتانسیل های یک منطقه معین الزامی است.

از سوی دیگر میزان کشت محصولات کشاورزی در یک منطقه باید با توجه به منابع موجود قیمت محصولات هزینه های تولید، عملکرد محصول، نیاز کشور و سیاست ها انجام شود و تصمیم گیری در انتخاب محصولات زراعی یا باغی مناطق مختلف بر اساس زیرساخت های موجود مسائل اجتماعی اقتصادی و سطح تکنولوژی با حفظ منابع پایه تولید در جهت تأمین نیازهای اساسی کشور باشد. (سازمان جهاد کشاورزی استان همدان ۱۳۹۲)



اول؛ بر اساس اظهارات مسئولان در سال گذشته ۹۵۰ هزار تن سیب زمینی از مرزهای رسمی صادر شده است؛ با توجه به اینکه هر کیلوگرم سیب زمینی ۱۸۹ لیتر آب مصرف می کند، با یک عملیات ساده ریاضی متوجه می شویم که در سال گذشته ما تقریباً ۱۷۹ میلیون مترمکعب آب برای محصولی مصرف کردیم که در راستای مصرف داخل کشور نبوده است؛ برای اینکه بهتر بتوانیم لمس کنیم ۱۷۹ میلیون مترمکعب آب چقدر است کافی است بدانیم کل برداشت استان یزد از زاینده رود در سال گذشته تقریباً یک سوم این مقدار یعنی حدوداً ۶۰ میلیون مترمکعب بوده؛ کل برداشت چهارمحال و بختیاری در سال گذشته در حوزه شرب، کشاورزی و گردشگری از زاینده رود ۵۷ میلیون مترمکعب بوده است!

اگر به جای سیب زمینی فقط آب مصرف شده را صادر می کردیم ارزش آوری بهتری نداشت؟

دوم؛ ارزش آوری این محصول برای کشور چقدر بوده؟ یعنی سیب زمینی که تقریباً سال گذشته هر کیلوگرمش را ۹۸۰ تومان صادر کردیم، چقدر هزینه صرف آن شده بود؟ اگر به جای سیب زمینی فقط آب مصرف شده را صادر می کردیم ارزش آوری بهتری نداشت؟ به بیان دیگر اگر به جای صادر کردن یک کیلو سیب زمینی و دریافت ۹۸۰ تومان، ۱۸۹ لیتر آب معدنی صادر می کردیم، ارزش آوری بهتری نداشت؟ یعنی اگر ما سم، کود، نیروی انسانی، هزینه برق مصرفی و ... را محاسبه نکنیم و فقط هزینه آب مصرف شده برای یک کیلوگرم سیب زمینی را محاسبه کنیم درمی یابیم که ما به ازای خروج هر لیتر آب از کشور ۵۲ ریال ارز وارد می کنیم!

چرا تولید سیب زمینی باید در کشوری خشک به این حجم باشد
سوم؛ چرا باید تولید سیب زمینی در ایران که کشوری تقریباً خشک محسوب می شود و سرانه مصرف سیب زمینی آن کمتر از ۴۵ کیلوگرم است؛ از کشوری که از ایران پرآب تر و سرانه مصرفش سه برابر ماست، بیشتر باشد؟ و مسئولان ما افتخار کنند که سیزدهمین کشور در تولید سیب زمینی هستیم

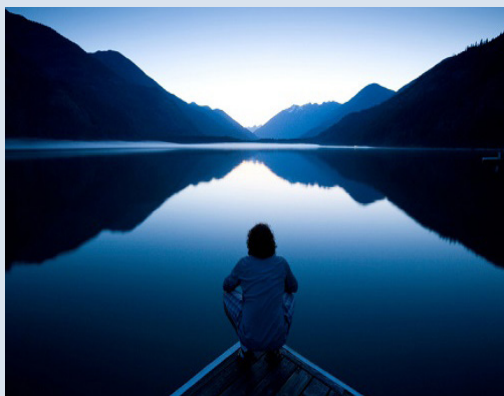
با این تفاسیر هر سال محصول سیب زمینی به امید بازارهای صادراتی با هزینه بالا تولید می شود در پی آن حجم قابل توجهی آب مجازی به کشورهای دیگر صادر می شود و این نکته حائز اهمیت است که برخی از کشورها خود توان تولید و امکانات کشت محصولی، چون سیب زمینی را در حجم وسیع دارند، اما واردات آن را به صرفه تر از تولید می دانند. / اقتصادانیوز ۱۳۹۸

صرف ۸۰۰ لیتر آب با راندمان آبیاری ۴۰ درصدی برای تولید یک کیلو سیب زمینی!

در کنار هزینه های تولید، برآوردها نشان می دهد که تولید هر کیلو سیب زمینی با راندمان آبیاری ۴۰ درصدی بیش از ۸۰۰ لیتر آب نیاز دارد که این رقم نیز به هزینه های کشت این محصول اضافه می شود. این در حالی است که معاون زراعت وزیر جهاد کشاورزی افزایش تولید در سطح را مهم ترین راه برای استفاده بهینه از منابع آب و خاک می داند و معتقد است کشاورزان به میزان ۱۲ هزار مترمکعب آب برای کشت سیب زمینی مصرف می کنند و در برخی نقاط این رقم به ۱۸ هزار مترمکعب می رسد. عباس کشاورز تأکید می کند که میانگین تولید در سطح هر هکتار محصول سیب زمینی در کشور در حال حاضر ۳۲ تن است و باید این رقم ۲ برابر شود. این مقام مسئول عقیده دارد که باید ۲۰ درصد از ضایعات



اندیشه





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۷

۲۹ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

فلسفه و هنر زیستن (۴): نقد لذت گرایی (hedonism)

آیا لذت گرایی تنها گزینه برای خوب زیستن است؟!

کاظم طیبی فر



منجر خواهد شد، قضاوت کرد؟ با چه متر و معیاری؟! از دیگر سو، شرط و دلیل تجربه پذیری لذت به صورتی توسط لذتگرایان تقریر و بیان شده که به خودی خود دچار مشکل است. آن‌ها اعتقاد دارند که اساساً هر چه مطلوب است باید در تجربه ما خودش را نشان بدهد. این بیان را نه می‌توان اثبات کرد و نه حتی قاطعانه رد کرد. ای بسا بسیار چیزهای مطلوبی باشند که در تجربه قابل آزمودن نباشند. یقیناً همه چیز قابل تجربه نیست و تجربه کردن معیار معقولی نیست.

اما نقد مهمی به دلیل تجربه پذیری لذت، توسط فیلسوف معاصر، تامس نیگل (Thomas Nagel) وارد شده. او آزمایش فکری‌ای را طراحی کرده تا نقد خودش را بیان کند.

دو شخص فرضی را در نظر بگیرید: شخص اول و شخص دوم. شخص اول در وضعیتی پر لذت زندگی می‌کند و شخص دوم در حالی که از زندگی لذت می‌برد و از لذت‌های فراوانی بهره می‌برد، فریب خورده و لذت‌هایش دروغین است. او فکر می‌کند سالم است در حالی که به بیماری مرموز مبتلاست، گمان می‌کند ثروتمند است در حالی که ثروت او توسط اشخاص دیگر به یغما برده شده و آنچه برای او مانده بسیار کمتر از ثروت واقعی‌اش است. حال خوش و سرمستانه‌ای دارد در حالی که این حال خوش توسط داروهایی که به صورت پنهانی به او خوراند می‌شود به وجود آمده.

حال با در نظر گرفتن این دو شخص در آزمایش فکری نیگل، هنوز هم می‌توانیم از لذت گرایی و اینکه تنها لذت است که خوبی زندگی را تعیین می‌کند دفاع کنیم؟!

در مثال نیگل برای خوب توصیف شدن زندگی نفر دوم به‌جز لذت معیار دیگری نیز دخالت دارد؛ حقیقت. این مثال، مثال نقضی است که ادعای

در شماره قبل به موضع لذت گرایان پرداختیم و بیان کردیم که عده‌ای از متفکران و حتی مقدار قابل توجهی از عموم مردم، انباشت حداکثر لذت در زندگی را سازنده یک زندگی مطلوب می‌دانند و چنین زندگی‌ای را واجد صفت "خوب زیستی" می‌پندارند.

دلایل ایشان را به اختصار بیان کردیم و وعده کردیم که در این شماره به نقد و بررسی ادله آنان بپردازیم. برای این منظور، در دو مرحله، ابتدا به نقد دلایل لذت گرایان می‌پردازم و پس از آن تلاش می‌کنم پاسخی مشخص، کاربردی و صریح به این پرسش بدهم که "آیا هر چه مقدار لذت در یک زندگی بیشتر باشد آن زندگی بهتر است؟"؛ به عبارت دیگر "آیا لذت و طلب آن، پاسخ به پرسش از چگونگی خوب زیستن هست یا نه؟"

الف) نقد دلایل لذتگرایان

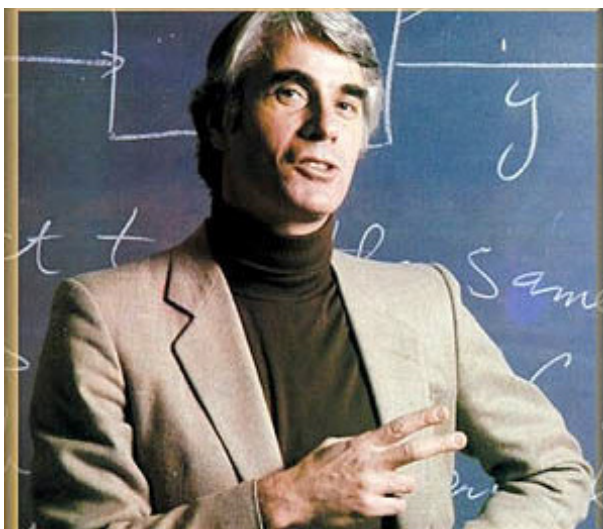
از واضح‌ترین و دم‌دستی‌ترین دلایل لذتگرایان شروع می‌کنیم یعنی تجربه پذیری لذت. اینکه تجربه هر یک از ما، مطلوب بودن لذت را تایید می‌کند. اما این به هیچ وجه کافی نیست. این تجربیات و مناسبات قرار دادن آن‌ها، این ادعا را که به‌جز لذت چیز دیگری برای مطلوب بودن زندگی لازم نیست را اثبات نمی‌کند؛ به عبارت دیگر، می‌توانیم بپذیریم که لذت برای خوب زیستن لازم است اما قطعاً کافی نیست. بسیاری از امور وجود دارند که نسبت به لذت و درد خنثی هستند یعنی نه لذتی در پی دارند و نه دردی را موجب می‌شوند و نه حتی دردی را التیام می‌بخشند.

نکته دیگر اینکه برخی از لذت‌ها تجربه خوبی هستند اما باعث رنج‌های بعدی می‌شوند. چه بسیار لذت‌هایی که در نهایت، یا حتی خیلی زود، به درد و رنج منجر می‌شوند. چنین تجربه‌هایی برای انسانی ممکن است. اما چگونه می‌توان میان این دو نوع تجربه، یعنی بین لذت واقعی و لذت کاذبی که به درد



هفته‌نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۷
۲۹ شهریور ماه سال ۱۴۰۱



لذت‌گرایان را منقضی و باطل می‌کند یعنی نشان می‌دهد که می‌توان مواردی را تصور کرد و می‌توان وجود مواردی را ممکن دانست که به‌جز لذت به معیار دیگری برای خوب بودن زندگی نیاز است.

دلیل انگیزشی لذت‌گرایان نیز همین‌گونه است و شبیه همین نقدها به آن وارد است. چگونه بپذیریم که تنها انگیزه اعمال ما کسب لذت و دفع درد است؟! حتی فروید هم چنین مدعای وسیعی نداشت. فروید یکی از انگیزه‌های اصلی اعمال ما را کسب لذت می‌داند، نه تنها دلیل آن.

از سوی دیگر، حتی اگر بپذیریم که اعمالمان فقط به انگیزه کسب لذت انجام می‌شود، از کجا معلوم که انگیزه ما برای نیل به زندگی خوب کافی است. شاید به‌جز انگیزه، عامل دیگری نیز برای خوب زیستن لازم باشد. شاید آنچه ما عامل خوب بودن زندگی می‌دانیم عامل سوئی به‌جز کسب لذت و دفع درد باشد. می‌توان مواقعی را متصور شد که برای کاستن از درد دیگران یا برای القاء لذت به دیگری کاری صورت می‌دهیم که برای خودمان نفعی در بر ندارد. در پاسخ به این نقد، لذت‌گرایان مجبور به قبول تفاوت لذت‌ها بر حسب ارزششان شده‌اند. آن‌ها می‌پذیرند که برخی لذت‌ها از برخی دیگر برترند و برخی پست‌تر. لذت رساندن به دیگری یا از درد او کاستن می‌تواند لذتی از جنس لذت عالی و معنوی در پی داشته باشد.

همین اقرار لذت‌گرایان نیز مقصود منتقدین را تا حد زیادی محقق می‌گرداند. در این صورت، منتقدین لذت‌گرایی و انتقادکنندگان از دلیل انگیزشی لذت‌گرایی، حداقل توانسته‌اند نشان دهند که لذت‌هایی بیشتر از لذت‌های مادی وجود دارد که از جرگه انگیزش‌های بشری فراتر است و لذت‌هایی وجود دارد که از جنس لذت‌های موردنظر انگیزه‌های آدمی نیست. این یعنی عواملی از چشم لذت‌گرایان پنهان مانده و تبیین‌ایشان ناتمام است.

انگیزه‌های آدمی می‌توانند ذاتی یا کسبی باشند. شاید بتوانیم بپذیریم که به لحاظ ارگانیسم و سامانمند در پی کسب لذت و دفع درد هستیم اما حتماً بسیاری از انگیزه‌های دیگر را خود ما، به وسیله تفکر و باورهایمان در خود ایجاد می‌کنیم. مثلاً وقتی می‌پذیریم و باور می‌کنیم که کشته شدن، شکنجه شدن و صدمه دیدن در راه یک ارزش والا، مطلوب، خوب و با ارزش است، انگیزه پیدایمی کنیم که تن به ایثار جان و قبول درد بدهیم. چنانکه بسیار مواردی از این دست را دیده، شنیده یا خوانده‌ایم.

قطعاً لذت‌گرا باز هم پاسخ خواهد داد که چنین شخصی که در مثال از آن سخن گفتیم به نوعی دیگر از لذت‌قائل است و از همین رو او نیز به انگیزه لذت، ولو لذتی معنوی و غیر جسمانی تن به مرگ و شکنجه می‌دهد.

اما باید توجه داشت که سخن من در این نقد، ناظر به امکان به وجود آمدن انگیزه‌هاست. سخن از این است که حتی اگر انگیزه همه آدمیان رسیدن به حداکثر لذت باشد، می‌توان انگیزه‌هایی دیگرگونه را در خود ایجاد کرد و هنگامی که بتوان انگیزه‌های دیگری ایجاد نمود که می‌توان، پس مقدمه اول دلیل انگیزشی لذت‌گرایان باطل شده و کل استدلال آنان درباره اینکه خوبی

زندگی به میزان لذت ما از زندگی بستگی دارد نیز باطل گردیده است. لذت‌گرایان اعتقاد دارند که یگانه انگیزه بشر برای اعمالش جلب لذت و دفع درد است و چون انگیزه آن‌ها تحقق یافت، به زندگی خوب و مطلوب رسیده‌اند. حال با وقوف به اینکه انسان می‌تواند انگیزه‌هایی غیر از لذت طلبی را در خود ایجاد کند و پرورش دهد، به این نتیجه می‌رسیم که امکان وجود عوامل دیگری جز لذت برای تحقق زندگی مطلوب وجود دارد.

اما به نظر می‌رسد سومین دلیل لذت‌گرایان برای قائل شدن به اصالت لذت، از بقیه دلایل بسی سست‌تر باشد چون به نوعی مصادره مطلوب در آن صورت گرفته. وقتی قرار است که لذت‌گرایان برای مدعای خود دلیل اقامه کنند، نمی‌توانند صورت مدعای خود را به جای دلیل ارائه نمایند. این پذیرفتنی نیست که اگر از یک لذت‌گرا پرسیده شود که دلیل او چیست، در پاسخ بگوید که انباشت لذت و برآیند آن یک زندگی را مطلوب می‌کند. اینکه انباشت لذت و به حداکثر رساندن لذت در کل زندگی با خوب بودن و مطلوب بودن یک زندگی مساوی باشد نیاز به دلیل دارد. این همبستگی خود جای تردید دارد و می‌توان پرسید که از کجا پیداست که عامل دیگری به‌جز لذت در این مطلوبیت دخیل نبوده؟!

این مطلب را با ذکر یک مثال توضیح می‌دهم. فرض کنیم که در روزهای گرم تابستان مرد بستنی‌فروشی در کنار ساحل دریا به فروختن بستنی به شناگران و گردشگران مشغول است. در یکی از این روزها، تعداد غرق‌شدگان در دریا به شدت افزایش یافته و هم‌زمان میزان فروش بستنی‌های مرد بستنی‌فروش نیز افزایش داشته است. آیا منطقی می‌توانیم افزایش تعداد غرق‌شدگان را دلیل افزایش فروش بستنی بدانیم؟!

از یک طرف همبستگی‌ای میان میزان فروش بستنی با میزان و تعداد غرق‌شدگان وجود ندارد و از طرف دیگر دلیل سوئی وجود دارد که علت هر دوی این وقایع است؛ یعنی گرما.

حتی اگر تجربه افزایش میزان فروش بستنی هم‌زمان با افزایش تعداد غرق‌شدگان در روزهای بسیاری تکرار شود، این هم‌زمانی دلیل واقعی و حتی منطقی واقعه نیست. این افزایش گرمای هواست که باعث افزایش مراجعه گردشگران به دریا، افزایش تعداد شناگران در دریا و در نهایت به افزایش تعداد غرق‌شدگان منجر شده است. همین دلیل، یعنی افزایش گرمای هوا و افزایش مراجعه به ساحل دریا، دلیل افزایش فروش بستنی‌ها نیز بوده.

در مورد همبستگی مورد مدعای لذت‌گرایان نیز به همین منوال است. فراوانی لذت در یک زندگی، هر چند در نمونه‌های زیادی با خوب توصیف شدن آن زندگی همراه باشد، دلیل قطعی برای وجود رابطه علیت میان آن‌ها نیست. شاید دلیل سوئی، علت هر دو باشد.

بنابراین، بر لذت‌گرایان واجب است که رابطه علیت میان تحقق لذت و تحقق زندگی خوب را اثبات کنند. بیان هم‌زمانی این دو به هیچ نحو اثبات‌کننده مدعا نیست بلکه بیان دوباره و مصادره به مطلوب است.

(ب) نقد اصالت لذت

تا اینجا کوشیده‌ام دلایل لذت‌گرایان را رد، یا حداقل، تضعیف نمایم اما منطقیاً حتی اگر موفق بوده باشم و تمام آن‌ها را به کلی مردود نموده باشم، هنوز این مدعا را که نیل به لذت در زندگی عامل خوب و مطلوب بودن آن است را مردود نکرده‌ام.

بر اساس آنچه تاکنون بیان شده، دلایل لذت‌گرایان برای دفاع از مدعایشان، اگر مردود نباشد، چندان قابل اتکا و پذیرش هم نیست. اما برای کسی که به دنبال یافتن پاسخ پرسش از چگونگی خوب زیستن است، رد دلایل یکی از پاسخ‌دهندگان به هیچ وجه کافی نیست، گرچه لازم است.

ممکن است بتوانیم دلایل هر مدعایی را رد کنیم و رد آن نیز موفق باشیم اما این توفیق دلیل بر آن نمی‌شود که خود مدعا را رد کرده‌ایم. به عنوان مثال، براهین بسیاری برای اثبات وجود خدا تاکنون ارائه شده اما آیا رد تمام آن‌ها به معنای اثبات عدم وجود خداست؟

بنابراین باید بپذیریم که هنوز پاسخ لذت‌گرایان به پرسش از نحوه خوب زیستن را نمی‌توانیم مردود بدانیم. اکنون به اجمال تلاش می‌کنم که نشان دهم لذت‌گرایی نمی‌تواند پاسخ به پرسش موردنظر ما باشد. برای این کار از آزمایش فکری رابرت نوزیک (Robert Nozick)، موسوم به آزمایش



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۷

۲۹ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

اندک رنجی تحت الشعاع قرار گرفته اند. شاید برای برخی افراد همان میزان اندک از درد، کل خوشی هایش را به حاشیه برده و به تلخی کشانده باشد. شاید کیفیت آن درد به گونه ای باشد که شخص در توصیف آن شب بگوید: “شب خوبی بود اما حیف که دندان درد خرابش کرد”.

کمی عمیق تر و جدی تر هم بنگریم، ارزش هارائیز لحاظ کنیم، لذت های عالی و دارای ارزش های اخلاقی در نظر لذتگرایان چه تفاوتی می تواند با لذت های غیر اخلاقی، بی ارزش و فانی داشته باشد؟ آیا یک زندگی با کمی از لذت های اخلاقی، برتر از زندگی با انبوهی از لذت های غیر اخلاقی نیست؟ لذت گرا بنا به مدعی خود در اصالت بخشیدن به لذت، نمی تواند میان این دو گونه زیستن تفاوت بگذارد و اگر هم چنین کند باید زندگی پر لذت انباشته از لذت های غیر اخلاقی را برگزیند و این خود نافی خوبی و مطلوبیت یک زندگی است.

با عنایت به آنچه گفته شد، لذت گرایی به عنوان پاسخی به پرسش از نحوه و ماهیت خوب زیستن نمی تواند صادق و مورد قبول باشد. در بهترین حالت، لذت گرایی ارائه کننده تبیینی ناقص از خوب زیستی است یعنی در بهترین حالت و با اندکی تسامح، لذت و کامرایی و دفع درد و رنج یکی از مؤلفه های خوب زیستن می تواند باشد، نه همه آن. لذت خوب است اما تنها خوبی نیست.

حتی به گمان ارسطو بسیاری امثال او، لذت، محصول یک زندگی خوب است نه دلیل و علت آن. به نظر ارسطو هنگامی سعادت (یودمونیا) حاصل شد، لذت نیز حاصل می شود. لذت محصول نیل به سعادت است.

پس باید به سراغ گزینه های دیگری نیز برویم. گزینه های دیگر را نیز بررسی نماییم تا خوب زیستن، راه رسیدن به آن و ماهیت آن را کشف کنیم. گزینه لذت و لذت گرایی را حذف نمی کنیم اما به عنوان گزینه ای از موده شده به کناری می گذاریم و در سودای آنکه چیزی کامل تر و شامل آن بیابیم، به سراغ واکاوی پاسخ های دیگر می رویم.

□ در نگارش این نوشتار از سلسله درس های “چگونه بهتر زندگی کنیم” استاد، جناب آقای دکتر بابک عباسی که در مؤسسه “سروش مولانا” برگزار شده، استفاده کرده و به تلخیص و ساده سازی مباحث فنی آن پرداخته ام. نیز، از کتاب مفید و پرپاری از گای فلیچر استفاده کرده ام، با این مشخصات: Fletcher, Guy, The Philosophy of Well-Being, An introduction, Routledge, ۲۰۱۶

فکری “دستگاه تجربه” آغاز می کنم.

آزمایش های فکری موقعیت های فرضی ای هستند که در آن ها با فرض یک موقعیت و با فرض امکان های منطقی پدیده هایی، اثبات می شود که مدعی مورد آزمایش مطابق واقع نیست. مثلاً در آزمایش فکری دستگاه تجربه، رابرت نوزیک، موقعیتی فرضی را ترسیم می کند که ممکن است در دنیای واقعی به وقوع بپیوندد. ممکن بودن وقوع این موقعیت یا موقعیت های شبیه به این به خودی خود نشانگر آن است که مدعی لذتگرایان نمی تواند صادق و مطابق با واقعیت باشد که اگر چنین بود، امکان نداشت خلاف نیز در دنیای واقعی به وقوع بپیوندد.

در آزمایش فکری دستگاه تجربه نوزیک، موقعیتی را فرض می کنیم که دو شخص مثلاً الف و ب در اوج لذت و به کلی به دور از درد و رنج به سر می برند، با این تفاوت که شخص الف در زندگی واقعی و روزمره در لذت ها غرق است، شخص ب با اتصال به دستگاهی که تجربه لذت را به مغز او القاء می کند.

حتماً تصدیق می کنید که چنین فرضی ممکن و قابل تحقق است. می توان پذیرفت که شخصی مانند شخص ب در آزمایش فکری نوزیک، می تواند وجود داشته باشد. در آزمایش فکری نوزیک، شخص ب به دستگاهی متصل است که تجربه لذت را به ذهن او القاء می کند. این شخص از دنیای واقعی کاملاً دور است و بنا به فرض، عیناً مانند شخص الف لذت را تجربه می نماید. در کیفیت تجربه دو نفر هیچ فرقی وجود ندارد ولی آیا اگر بپذیریم که زندگی پر از لذت، همان زندگی مطلوب و خوب است، شخص ب هم به زندگی خوب دسته یافته؟! زندگی خوب شخص ب هر چقدر هم که بر خوردار از خوبی ها باشد فاقد یک خوبی است، خوبی مطابقت با حقیقت؛ بنابراین، وجود لذت، هر چه فراوان و هر چقدر دور از درد و رنج و زحمت باشد، تنها عامل ساختن زندگی خوب و مطلوبیت آن نیست و نمی تواند باشد.

از طرف دیگر، لذت به عنوان معیار خوب و مطلوب بودن زندگی بیش از حد لغزان و غیر قابل استناد است. نه متر و معیاری برای اندازه گیری آن وجود دارد و نه مقیاسی برای ارزش گذاری آن. چگونه می توان میان لذت های مختلف ترجیح داد؟ چگونه می توان برآیندی از کل لذت های یک زندگی به دست آورد؟ مثال شب خوش گذرانی را به یاد بیاورید (در شماره پیشین، ذیل بحث از مدعی لذتگرایان)، ای بسا که شخص بنا به اعتقاد و سلیقه و سنجش گری اش، دقایق یا ساعاتی که به دندان درد گذشت را از بین برنده کل لذت های آن شب بداند؛ یعنی کیفیت آن درد را در حدی بداند که از بین برنده و نابود کننده همه خوشی های آن زمان باشد. بسیار تجربه های خوشایند و پر لذتی را می توان سراغ گرفت که با



مهر آفرینان، فرزندان ناتنی آموزش و پرورش؟!!

سمانه فاخری

تعداد محدودی از خانواده ایثارگران به استخدام رسمی تبدیل وضعیت شدند و بقیه در آب نمک خوابانده شدند که به زودی زود نوبت شماست. حالا نه تنها آن به زودی رتبه بندی هنوز نرسیده که به زودی استخدام هم موعدهش فرانسیدم. از آن بدتر، این فرزندان خوانده ها باید دوباره و دوباره خودشان را اثبات کنند و آزمون بدهند. حال و روز ارج و مقام معلم که همه مقامات دم از آن می زنند، این روزها شده ماجرای انتقال از یک ظرف آب نمک به ظرف آب نمک بعدی. چند روز در تکاپوی آزمونی که قرار است برگزار شود، می گذرد و چند روز در اعتراض به آن. چند روز در پی مواد و منابع آزمون، چند وقت هم در پیگیری ثبت نام و بارگذاری مدارک در سایت آزمون. در این میانه وعده ای هم می رسد که علی الحساب، پایان ماه، همان موقع که همیشه منتظر مواجهتان هستید، مبلغی از افزایش حقوقی که رتبه بندی باعثش می شود را پرداخت می کنیم. همان مبلغ علی الحسابی که همکاران رسمی بعد از ده سال انتظار رتبه بندی، همین ماه پیش دریافت کردند. البته اگر خواننده این سطور گمان کند که پدرسالار آموزش و پرورش با فرزندان خودش به از این است، سخت در اشتباه است. این ناپدری همان است که دست معلم را در تربیت، تنبیه، ارزیابی و حتی تشویق دانش آموزان بسته. از همان جنس است که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را زیان ده می داند. ماهمه، معلمان و آموزش و پرورشی ها که روزگاری به ما "فرهنگی" می گفتند، زیان دهیم، ارزش افزوده ای نداریم، نه ریالی و نه ارضی! حالا علی الحساب پولی بر ایمان ارزانی می کنند تا فردا چه شود! فردا چه باید بشود؟! سر آخر ما هم رسمی می شویم و استخدام مادام العمر. ما هم سال ها در انتظار رتبه بندی می مانیم و انگشت نمای خلق می شویم. هفته ای یک بار از اخبار، نوید اعطای معوقاتمان را می شنویم و هر از گاهی از مقام شامخمان در کلام سیاستمداران!

روزی روزگاری آمدند که مهری بیافرینند، معلم کم داشتند، کلاس ها خالی می ماند. پس مهری آفریدند و نیروهای قراردادی را تبدیل به نیروی پیمانی کرده و کلاس ها را پر کردند. کلاس ها پر شد، اداره شد، تدریس شد و از همان کلاس ها دانش آموزانی سر بر کشیدند که اکنون خود معلم اند و در انتظار رتبه بندی و ارج دیدن. اما معلم مهر آفریده ای ایشان، پس از این همه سال برای گرفتن رتبه ای که شاید بدهند، باید دوباره آزموده شود. شأن معلم را خدشه دار کردند، بماند. انگشت نمای همگان نشان کردند که هر روز در تب و تاب حقوقشان اند، بماند... تا توهین از این شنیع تر که با کوله باری از تجربه، به شرط قبولی در آزمونی که نه زمانش و نه محتوایش پیداست، رتبه بندی می شوند؟! آن هم چه رتبه ای، رتبه و رتبه بندی ای که بیش از ده سال است شده استخوان لای زخم. ماجرا از آنجا شروع شد که در سال های دهه هشتاد و کمی قبل از آن، وزارت آموزش و پرورش برای جبران کمبود نیروی آموزشی و اداری خود، با جذب نیروهایی جوان در قالب طرح موسوم به "مهر آفرینان"، نیروهایی را به صورت قراردادی جذب کرده و در کلاس ها و پست های اداری به کار گمارد. پیداست این نیروها با عنوان نیروی قراردادی از مزایای مستخدمین پیمانی و رسمی بر خوردار نبودند. از همان جا این فرزندان آموزش و پرورش ناتنی بودنشان عیان شد؛ اما در سال ۹۱ امیدها زنده شد چون همین نیروها بعد از چند سال کار، قرار شد که تبدیل وضعیت شوند و به نیروی پیمانی تبدیل شوند. باینکه هر کدام حداقل دو سال تجربه اندوخته بودند و کار کرده بودند، ملزم به گذراندن دوره های آموزشی و آزمون های آن شدند. اما دل پر امید معلم خوش بود که این هم مهر آفرینی است و ناپدری همین روزها به تن می گیردشان. بود و بود تا بنا بر قانون، از سال ۹۶ باید این نیروها به نیروی رسمی تبدیل وضعیت می شدند. اما نشدند و باز هم ناتنی بودنشان عیان شد. از میان آن ها تنها



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۷

۲۹ شهریور ماه سال ۱۴۰۱





گفتگو



عبدالله تقی پور، عضو شورای پنجم شهر تبریز در گفت و گو با اراده ملت عنوان کرد:

شوراها روحیه کار تیمی ندارند

بعد از اتمام دوره پنجم حتی برای انتخابات ثبت نام نکردید. چرا این همه از این مجموعه فاصله گرفتید؟

من دوران خدمتم را در شهرداری تبریز سپری کرده بودم و بعد از آن دوره بود که با حضور در لیست امید و با انتخاب مردم تبریز به شورای شهر راه پیدا کردم.

من قبل از ورود به شورا اهدافی داشتم و حیطه وظایفم را برای خودم تعریف کرده بودم. متأسفانه در چهار سال شورا نتوانستم در آن مسیر فعالیت کنم و متوجه شدم مسیر مسدود است. از این جهت انتخاب کردم تا در حوزه‌ای غیر از شورا به خدمت گذاری ادامه بدهم. شورای پنجم شهر تبریز وزن سنگینی داشت. همکاران برجسته و شخصیت‌های ارزشمند و فرهیخته‌ای داشتیم. بدون اغراق دو دانشمند در جمع ما بود. ولی همین مجموعه موفقیت چندانی نداشت. نارسایی‌ها در ساختار شورا و رابطه‌ای بین شورا و شهرداری که از اساس غلط تعریف شده و نواقص قانونی اجازه نمی‌داد اهداف محقق شوند

با این وجود موفقیت‌های نسبی شورای پنجم نسبت به دوره‌های قبل مدیون همدلی و حس انجام وظیفه ذاتی اعضا بود و عملاً دیدیم که در دوره بعدی تکرار نشد.

من احساس کردم مجموعه شورای شهر باعث تاخیر در بحث خدمات‌رسانی، اجرا و پیشبرد پروژه‌ها و تحقق اهداف شهرداری در حوزه مدیریتی شهری می‌شود.

به نظر من اهدافی که در شروع کار شوراها مد نظر قانون گذار بود آن چنان که باید و شاید محقق نشده، ما هم به اهداف مد نظر نزدیک هم نشدیم. متأسفانه باید قبول کرد که شهرداری پیش از این موفق‌تر، سالم‌تر و سریع‌تر به وظایف خود عمل می‌کرد.

به نظر شما دلایل عدم موفقیت شوراها چیست؟ چرا منتخبین شهر در عمل به وظایف خود موفق نمی‌شوند؟

تجربه من می‌گوید شورا نمی‌تواند در ایران موفق شود. دلایل متعدد است. نبود فرهنگ کار تیمی و وجود نواقص قانونی را باید برشمرد. شوراها روحیه کار تیمی ندارند. نقص عدم وجود ناظر برای نهاد شوراها هم وجود دارد. شوراها عموماً حساسی ندارند. این بخش از نگاه قانون گذار پنهان است.

مساله مهم بعدی انتخاب شهردار توسط شورا است. اگر شهردار به طور مستقیم و توسط مردم شهر انتخاب شود، چهار سال نگاه بالاسری و قییم مآبانه شورا به شهردار را نخواهیم داشت و لجبازی‌ها و اختلافات بعدی وجود ندارد. بعضاً اختلافات شورا و شهردار شهر را قفل می‌کند.



با توجه به تجربه حضور در شورای پنجم شهر تبریز، ارزیابی شما از عملکرد مجموعه شورای شهر چیست؟

امروزه نقش شوراها در نظارت بر عملکرد شهرداری تعریف می‌شود. در حالی که شورا پارلمانی محلی معرفی شده بود که وظیفه قانون گذاری و نظارت بر عملکرد شهرداری و سایر ادارات خدمت رسان در شهرها را برعهده داشت.

متأسفانه هر سال که شوراها پیش رفتند، نظارت بر عملکرد شهرداری به دخالت در امور اجرایی شهرداری تبدیل شد و شورا عموم وظایف خود در قبال شهر را تنها به دخالت در امور اجرایی شهرداری معطوف کرد.

در صورتی که با توجه به وظایفی که در قانون برای شوراها پیش‌بینی شده بررسی مشکلات و نارسایی‌های موجود در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، ورزشی، عمرانی و خدماتی شهرها برعهده نهاد شورا است.

اما شوراها در تمام شهرها تنها با شهرداری کار می‌کنند و اعضای شوراها با مدیران شهرداری رقابتی ناسالم دارند. شوراها صرفاً وظایف خود را در حیطه شهرداری می‌بینند و باروحیه دخالت در کار شهردار که در هر دوره بیشتر برجسته می‌شود و تمام بخش‌های اجرایی را دربرمی‌گیرد، پیش می‌روند.

همین دخالت در تمام جنبه‌های امور اجرایی شهرداری یکی از عوامل مهم و تاثیر گذار در انحراف و فساد شهرداری و شورای شهر است.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۷

۲۹ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

قدرت علی حشمتیان، ریاست جبهه مستقلین و اعتدال گرایان ایران در گفت و گو با اراده ملت تشریح کرد:

بزرگ ترین نقص و ایراد احزاب در کشور ما این است که حق خود را مطالبه نمی کنند

می کردند و ۱۰۸ نماینده آن زمان به عنوان اصلاح طلب نامیده می شدند و حدود ۳۸ تا ۴۰ نفر هم حزبی بودیم که به عنوان جریان مستقلین و اعتدال گرایان شناخته شده بودیم. متأسفانه در هر دوره ای جایگاهی برای جریان مستقلین کشور در نظر گرفته نمی شود و در میان رقابت های دو جریان دیگر، کمتر فرصتی برای بروز و ظهور مستقلین فراهم می شود. اکثراً اصول گرایان بر سرکار می آیند و تعدادی از اصلاح طلبان را به کار می گیرند. وقتی اصلاح طلبانی دولت را در دست می گیرند باز هم تعداد زیادی از اصولگرایان در راس هستند.

چرا به نظر می رسد حاکمیت از اعمال نظام حزبی اجتناب می کند؟

عده ای از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا به امروز حاکمیت مردم را قبول نکردند و اراده ای برای استقرار جمهوری ندارند. برخی از مسئولین برای اینکه بتوانند آن طور که می خواهند عمل کنند، سعی می کنند رابطه ای بین مردم و حکومت وجود نداشته باشد تا بتوانند با نادیده گرفتن خواسته های مردم برنامه های خودشان را دنبال کنند.

به همین دلیل مسئولین ما احزاب را به بازی نمی گیرند. اگر حزب را رابط بین جامعه و حاکمیت بدانیم، طبیعتاً مسئولی که اراده دارد مستبدانه عمل کند؛ احزاب را مانعی در برابر خودش می بیند.

بعضی ها هنوز در فضای قبل انقلاب هستند و همچنان دیکتاتورمآبانه عمل می کنند. یک نفر انتخاب می شود و اطرافیان او توبوسی می آیند و همان ها توبوسی می روند و دیگرانی جایشان را می گیرند. نه وقتی آمده اند کارنامه روشنی دارند و بررسی می شوند و نه وقتی می روند دستاوردی وجود دارد. نقد هم نمی شوند، چون تمامی این مراحل باید در احزاب انجام شود و این طیف احزاب را فقط در پوسته و نقشی ظاهری قبول دارند و اجازه نداده اند احزاب رشد کنند.

فارغ از شعار و به دور از کلیشه ها و با توجه به ساختار موجود حکمرانی در ایران، برای تقویت احزاب چه کارهایی می توان انجام داد؟

مسئولین رده بالای کشور باید به طور مرتب جلسات مختلفی با احزاب داشته باشند. احزاب که تنها نباید در ایام انتخابات ضربه گیر نظام باشند. احزاب باید اداره کننده کشور باشند تا در برابر عملکرد خود پاسخگو باشند. این شیوه کشورداری به نفع مملکت است.

زمانی که رئیس خانه احزاب بوم شاید بیش از ۴۰ بار با سران قوا مکاتبه کردم که با شورای مرکزی خانه احزاب ملاقات داشته باشند. همیشه شانه خالی می کردند و فقط موفق شدم یک بار در دوران ریاست آقای لاریجانی در مجلس اعضای شورای مرکزی احزاب را به ملاقات با ایشان ببرم که همان دیدار بسیار موثر واقع شد و آثار و برکاتی داشت. این بزرگ ترین نقص و ایراد احزاب در کشور ما است که حق خود را مطالبه نمی کنند.



وضعیت احزاب در ایران به چه صورت است؟ آیا فعالیت های احزاب در کشور به رسمیت شناخته می شود؟

علی رغم این که حدود ۱۰۰ سال سابقه حزبی در کشور ما وجود دارد؛ متأسفانه در طول تاریخ ایران، چه قبل و چه بعد از انقلاب، حکمرانان توجه خاصی به حزب نداشتند.

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا به امروز شاهد بودیم اکثر کسانی که می خواهند در انتخاباتی به عنوان رئیس جمهور یا نمایندگان مجلس رای بیاورند، به احزاب متوسل می شوند ولی به محض این که رای آوردند، به این دلیل که خودشان را به حزب بدهکار ندانند می گویند ما جزو هیچ حزب و گروهی نیستیم و ما مستقل هستیم.

من یکی از بنیان گذاران خانه احزاب هستم. در خانه احزاب جریان های اصول گرا، مستقلین و اصلاح طلبان و اعتدال گرایان حضور دارند؛ اما متأسفانه احزاب در خارج از این مجموعه به جایگاه واقعی خودشان نرسیده اند و فقط در زمان انتخابات از ظرفیت های آن ها بهره برداری می شود و وقتی انتخابات تمام شد فردی که با تلاش احزاب انتخاب شده در اولین اظهار نظرها در برابر اذهان عمومی حاضر می شود و می گوید من به هیچ حزب و جریانی وابسته نیستم!

امروز حاکمیت در کشور یک دست شده و جریان اصولگرایی در راس هر سه قوه قرار دارد، آیا با این وجود همچنان عقیده دارید احزاب در راس حاکمیت قرار ندارند؟

در کشور ما سه جریان عمده وجود دارد. در مجلس پنجم که بنده نماینده بوم ۱۲۷ نماینده مجلس خود را به عنوان اصول گرا معرفی



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۷

۲۹ شهریور ماه سال ۱۴۰۱



رویدادهای ایران و جهان



ایران و جهان در هفته‌ای که گذشت

تهیه و تنظیم از پیام فیض

گذشت نزدیک به چهار سال از اخراج سفیر قبلی رژیم صهیونیستی در ترکیه، کمیته انتصابات وزارت امور خارجه این رژیم عصر امروز (دوشنبه) تصمیم گرفت که «ایریت لیلیان» را به عنوان سفیر جدید تل آویو در آنکارا منصوب کند.

وبسایت عبری زبان «والا» در این باره گزارش داد که لیلیان طی دو سال گذشته به عنوان کاردار سفارت اسرائیل در ترکیه فعالیت کرده و سابقه فعالیت به عنوان سفیر در بلغارستان و سرپرست سفارت در استرالیا را نیز در کارنامه خود دارد در حالی که انتصاب وی در منصب جدید نیز گام دیگری در روند عادی سازی روابط میان آنکارا و تل آویو به شمار می آید. شایان ذکر است که ترکیه در ماه مه سال ۲۰۱۸ میلادی و در واکنش به شهادت ۶۰ فلسطینی و زخمی شدن نزدیک به دوهزار تن دیگر در نوار غزه به دست نیروهای رژیم صهیونیستی، «ایتان نائه»، سفیر وقت این رژیم در آنکارا را اخراج کرد. با این حال، دفتر «بائیر لاپید»، نخست وزیر اسرائیل نزدیک به یک ماه پیش اعلام کرد که به دنبال گفت و گوی تلفنی وی با «رجب طیب اردوغان»، رئیس جمهوری ترکیه، تل آویو و آنکارا تصمیم گرفتند روابط دیپلماتیک خود را به طور کامل از سر بگیرند و سفر و سرکنسول های دو طرف نیز به مناصب خود بازگردند.

ملکه انگلیس در گذشت



کاخ باکینگهام در بیانیه‌ای اعلام کرد ملکه انگلیس در سن ۹۶ سالگی در گذشته است. اعلام خبر مرگ ملکه انگلیس ساعاتی پس از آن اعلام شد که شاهزاده‌های این کشور پس از دریافت خبر وخامت حال او، شتابزده به کاخ «بالمورال» اسکاتلند رفتند. از همان ساعات اولیه اعلام خبر وخامت حال الیزابت دوم، رسانه‌های انگلیسی به

بازنگری عملکرد گشت ارشاد در دستور کار مجلس قرار گیرد



انور حبیب زاده بوکانی در نشست علنی دیروز (سه‌شنبه ۲۹ شهریور ماه) مجلس شورای اسلامی در تذکر شفاهی خود گفت: فوت مهسا امینی دختر ۲۲ ساله سقزی که از سوی گشت ارشاد به مرکز امنیت اخلاقی منتقل شده بود، موجب جریحه دار شدن افکار عمومی شد که بسیار متأثر کننده بود. نماینده مردم بوکان در مجلس در ادامه ضمن تسلیت به خانواده آن مرحومه گفت: این موضوع به صورت جدی از سوی مجلس، به‌ویژه نمایندگان کرد پیگیری می‌شود همچنین روسای قوانین در این خصوص قول پیگیری داده و رئیس مجلس نیز طی تذکرات و اظهارات خود گفته است موضوع را با جدیت پیگیری می‌کند و گزارش آن را به مردم می‌دهد. حبیب زاده بوکانی در پایان خاطر نشان کرد: بازنگری عملکرد گشت ارشاد نیز باید در دستور کار مجلس قرار گیرد و مجلس نسبت به حقوق شهروندی و قانون اساسی حساس تر باشد و با اعمال این اتفاق نیز برخورد شود.

انتصاب سفیر جدید اسرائیل در ترکیه پس از گذشت ۴ سال از اخراج سفیر قبلی



به گزارش بخش عربی خبرگزاری «اسپوتنیک» روسیه، پس از



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۷

۲۹ شهریور ماه سال ۱۴۰۱



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۷

۲۹ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

گمانه زنی درباره اجرای عملیات «اسب تک شاخ» در اسکا تلند برای مراسم خاکسپاری او و عملیات مشابهی در پایتخت با عنوان «پل لندن» پرداخته بودند. نام این عملیات به این دلیل انتخاب شده که اسمر رمزی است که از طریق آن نخست وزیر را از مرگ ملکه مطلع کرده و به او می گوید: «پل لندن خراب شده است». پس از آن، رویه این است که وزارت امور خارجه، این خبر را به سران کشورهای مشترک المنافع اطلاع می دهد. «سم نایت» خبرنگار روزنامه گاردین در سال ۲۰۱۷ در مقاله ای نوشته بود، طبق عملیات پل لندن، بعد از مرگ ملکه، خبر آن به صورت امواج زلزله و به شکل مرحله به مرحله در اختیار عموم مردم قرار خواهد گرفت. در این مقاله همچنین بر نقش رسانه دولتی «بی بی سی» در انتقال این خبر به عموم تأکید زیادی شده است. بر همین اساس، از بعد از ظهر پنجشنبه لوگوی بی بی سی به رنگ مشکی در آمده و مجری این شبکه با کت و شلوار و کراوات مشکی در مقابل دوربین حاضر شد. این شبکه از ساعات اولیه اعلام بیماری ملکه اعلام کرد پخش عادی برنامه های خود را تا ساعت ۲۳:۳۰ به وقت تهران متوقف کرده است. از سوی دیگر، از بعد از ظهر امروز شمار زیادی از گردشگران خارجی برای مطلع شدن از جدیدترین اخبار درباره وضعیت ملکه انگلیس در مقابل کاخ باکینگهام تجمع کرده بودند. گمانه زنی ها درباره وضعیت سلامتی او از اواخر سال گذشته و پس از ابتلای او به ویروس کرونا شروع شده بود و حتی شایعه ای از مرگ او نیز منتشر شد. اکنون با انتشار خبر مرگ ملکه انگلیس، شاهزاده «چارلز» پسر ارشد او وارث تاج و تخت این کشور خواهد بود.

آیت الله موسوی تبریزی: یک نفر پیدا شود و برای همیشه کشور و مردم را از شر رفتارهای تند و بی خردانه خلاص کند



آیت الله سید حسین موسوی تبریزی در واکنش به مرگ تالم برانگیز مهسا امینی اظهار داشت: انسان بعضی وقت ها می ماند، چه بگوید و چه کار کند؟ این که در ایران جوانان ایرانی امنیت نداشته باشند، خیلی بد است. آقایان گفته اند، پوشش خانم امینی در لحظه بازداشت نامناسب بود. اصلا حرف شما درست و آن مرحوم پوشش نامناسب هم داشت، باز هم نباید آنطور رفتار می شد. کجای دین و شریعت به مأمورین اجازه بازداشت با آن شکل داده است؟ مردم طلبکار هستند و باید صدای شان را بلند کرده و از حق شان دفاع کنند. دبیر کل مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم با هشدار به اینکه با این نوع روش ها مردم از نظام فاصله می گیرند، افزود: اسلام دین مهربانی است و نباید

با این کارها بین جوانان و شریعت فاصله انداخت. آقایانی که نمی دانند با اعمال شان چه خسارت هایی را وارد می کنند، بدانند که با این روش مردم از نظام فاصله می گیرند که این خیلی بد است. ای کاش یک نفر پیدا شود و برای همیشه کشور و مردم را از شر رفتارهای تند و بی خردانه خلاص کند. در غیر این صورت جامعه دوقطبی می شود و مردم به جان هم خواهند افتاد. موسوی تبریزی در پایان گفت: ارشاد فی نفسه خوب و لازم است. اما به این شرط که ارشاد کنندگان انسان هایی فهیم، عاقل و بالغ باشند و اینطور نباشد که خودشان به ارشاد نیاز داشته باشند.

پیام تسلیت دفتر سازمان ملل در تهران در پی فوت مهسا امینی



دفتر سازمان ملل در تهران در صفحه اینستاگرام خود نوشت: دفتر سازمان ملل در تهران از درگذشت خانم مهسا امینی عمیقاً متأثر است و به خانواده و عزیزان ایشان از صمیم قلب تسلیت می گوید. مهسا امینی دختر ۲۲ ساله اهل سقز روز چهارشنبه ۲۳ شهریور توسط پلیس گشت ارشاد بازداشت و به ساختمان وزرا منتقل شد. روز جمعه ۲۶ شهریور اعلام شد که وی فوت کرده است.

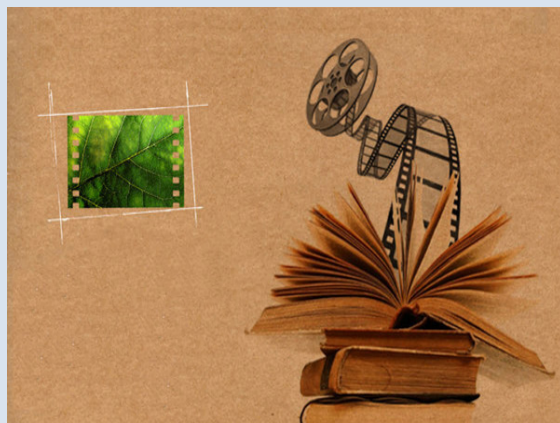
آمریکا ۳ هواپیمای ایرانی که خدمات باری به روسیه ارائه می داد را تحریم کرد



وزارت بازرگانی آمریکا روز دوشنبه سه فروند بوئینگ ۷۴۷ خطوط هوایی ایران را که خدمات باری به روسیه ارائه می دهند، در فهرست تحریم های خود قرار داد. به نوشته رویترز، ادعا شده این هواپیماها کنترل های صادراتی اعمال شده توسط آمریکا را که بخشی از تحریم های دولت بایدن علیه جنگ روسیه در اوکراین است، نقض کرده اند. هواپیماهای تحریم شده از شرکت های ماهان ایر، قشم فارس ایر و ایران ایر هستند که کار حمل و نقل کالا از جمله اقلام الکترونیکی را به روسیه انجام می دادند.



معرفی و پیشنهاد



جنگ وحشیانه صلح

تهیه: راضیه گمار

شناسنامه

نام اثر: نبرد الجزایر

محصول ایتالیا

نویسنده و کارگردان: گیل پونته کوروو

ژانر: جنگی

سال تولید: ۱۹۶۶

تاریخ انتشار: ۱۹۶۶

زبان: عربی فرانسوی

زمان: ۱۱۶ دقیقه

این فیلم از معروفترین فیلمهای سیاسی با محوریت جنگ می باشد که توسط پونته کوروو، فیلم ساز ایتالیایی ساخته شد و در سال ۱۹۶۷ به نمایش درآمد داستان بر اساس خاطرات سعدی بوسف نوشته شده است.

نبرد الجزایر از زمان ساخت تا کنون در بسیاری از کشورهایی که مبارزات آزادی خواهانه داشته اند بخش شده و روایت مبارزات چریک های جنبش آزادی بخش الجزایر، در دهه ۵۰ می باشد نوع روایت موسیقی متن فیلم بر رتم فیلم در موفقیت آن تأثیر بسزایی دارد فیلم با نمایش آخرین لحظات حیات ۴ تن از آخرین عناصر فعال در جبهه آزادی بخش الجزایر آغاز می شود و وقایعی را که در سال های ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۲ نیروهای الجزایر برای رهایی از سلطه فرانسه در شمال آفریقا انجام دادند روایت می کند.

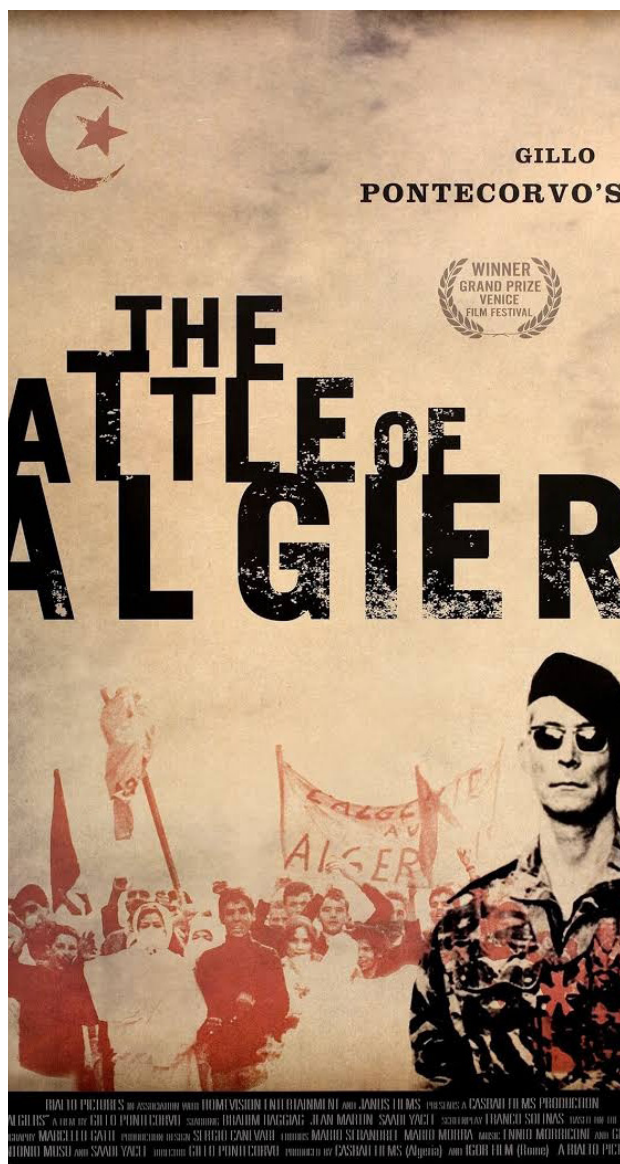
فیلم ساز یک روایت نفس گیر و پر تنش را ارائه می دهد و فیلم از صحنه های درام حماسی و مبارزه گری و همچنین دیالوگ های پابری می باشد و تصویری هوشمندانه و گیرا از مبارزات ضد استعماری را که حق مشروع و توده ها در کشورهای تحت استعمار و سواستالگران امپریالیست است را نشان می دهد.

این فیلم بعد از سال ها همچنان بازتاب گسترده ای در ایران داشته و براروال عملیاتی استعمارگران عصر کنونی را نشان می دهد و علل و اسباب یک جنبش انقلابی میهنی را واکاوی می کند.

نبرد الجزایر حول محور دو شخصیت می گردد که یکی علی لا پونته، عضو جبهه آزادی بخش ملی و مقاومت الجزایر است و دیگری سرهنگ ماتئو فرماتند چتر باران فرانسوی که مأموریت سرکوب مقاومت به نفعی محول شده بود.

دوربین هیچ قهرمان یا شرور را به ما نشان نمی دهد بلکه انسانیت را در تاریک ترین شکل هایش به رخ مخاطب می کشد و خود نشان دهنده مقاماتی نهایت مردمانی است که برای حقوق اولیه انسانی خود می جنگند.

این فیلم واقعا در نوع خود بی نظیر است و ارزش دیدن دارد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۷

۲۹ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

لزوم سیاست گذاری در حوزه عمومی و اخلاق

تهیه: علیرضا المیر

شناسنامه

معرفی کتاب اخلاق در سیاست

نویسنده: مایکل سندل

مترجم: افشین خاکباز

انتشارات فرهنگ نشر نو

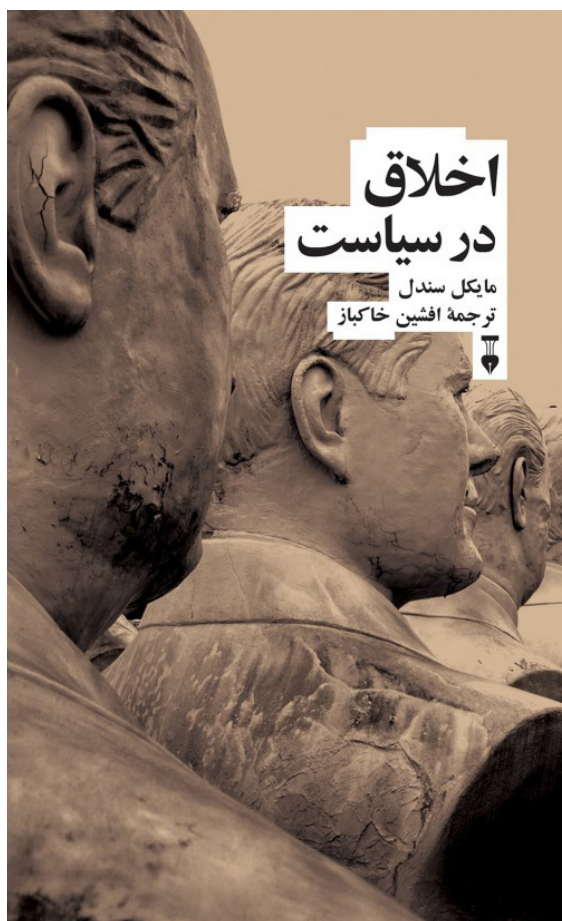
تعداد صفحات: ۳۶۶

مایکل جی سندل فیلسوف سیاسی معاصر آمریکایی و استاد دانشگاه هاروارد است و بیش از همه به خاطر درس «عدالت» هاروارد و نقادی اش بر نظریه عدالت جان راولز در لیبرالیسم و حدود عدالت (۱۹۸۲) مشهور است و عضو پیوسته آکادمی هنر ها و علوم آمریکا انتخاب شده است.

در کتاب اخلاق در سیاست مایکل سندل برخی از مسائل اخلاقی و سیاسی مورد بحث زمان ما را مطرح می کند از جمله اقدام مثبت، کمک به خود کشی، سقط جنین، حقوق همجنس گرایان، تحقیقات سلول های پنبه ای معنای مدار لومنتا شکاف بین ثروت مند و فقیر، نقش بازار ها و جایگاه دین در زندگی عمومی، اواستدلال می کند که بر جسته ترین آرمان هادر زندگی سیاسی ما - حقوق فردی و آزادی انتخاب - به خودی خود اخلاق کافی برای یک جامعه ای دموکراتیک فراهم نمی کند سندل خواستار سیاستی است که تأکید بیشتری بر شهروندی و اجتماع و فضیلت مدنی داشته باشد و مستقیم تر با مسائل مربوط به زندگی خوب دست و پنجه نرم کند لیبرال ها اغلب نگران اند که دعوت از استدلال اخلاقی و مذهبی در حوزه ای عمومی خطر عدم تحمل و اجبار را به دنبال دارد این مقالات با نشان دادن اینکه گفتمان اخلاقی اساسا در تضاد با اهداف عمومی مترقی نیست و اینکه یک جامعه کثرت گرا نیازی به رد کردن اعتقادات اخلاقی و مذهبی که شهروندانش به زندگی عمومی می آورند ندارد به این نگرانی پاسخ می دهد.

رشته مشترکی که مقاله های مختلف این کتاب را با یکدیگر پیوند می دهد دیدگاه های مختلف درباره دخالت دولت در جنبه های اخلاقی بخش عمومی و میزان این دخالت است. آیا می توان بدون پرداخت به مسائل بحث برانگیز اخلاقی همچون سقط جنین، خود کشی یا کمک دیگران و مسائلی از این دست و پاسخ دادن به این پرسش که زندگی خوب چیست به سیاست گذاری در حوزه عمومی پرداخت؟ آیا دولت باید برای دستیابی به آرامش اجتماعی از پرداختن به چنین مسائلی پرهیز کند یا اینکه تر بیت شهروندان اخلاق مدار بر اساس اصول اخلاقی غالب در جامعه را بر هر وظیفه دیگری مقدم بشمارد و لباس قانون بر تن اخلاق بپوشاند آیا اقتصاد سیاسی باید به دنبال هموار ساختن راه رشد اقتصادی و توزیع ثمرات آن باشد یا اینکه به دنبال استقرار ترتیبات اقتصادی ای باشد که زمینه تر بیت مردم و تبدیل آنان به شهروندان متمدن را می کند؟

سندل برای پاسخ دادن به پرسش های فوق مثال های متنوعی را ارائه می دهد که بسیاری از آن ها از جمله رفتار با اقلیت ها قومی و دینی یا مسئله تبعیض مثبت از دل مشغولی های همیشگی جوامع متکثری هستند که از تنوع قومی و دینی چشم گیری بر خور دارند ولی برخی دیگر بیشتر در یافت وشرایط فرهنگی جوامع غربی معنادار ندود غده های جامعه مانع هستند باین وجود به نظر می رسد بسیاری از پرسش هایی که سندل مطرح کرده و نیز رویکر دوشویه استدلالی اومی تواند در جوامعی همچون جامعه کنونی ما آموزنده و راهگشا باشد.



هفته نامه غیر بر خط
اراده ملت

شماره ۴۷

۲۹ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

یک مناسبت فراموش شده: روز ملی گفت و گوی تمدن ها

تهیه: سید مهدی ترو هید

انجمن صفاخانه

این ایده به عنوان مشی سیاسی خارجی و دیپلماسی کشور مطرح می شد این موضوع محور سیاست تنش زدایی دولت قرار گرفت و منجر به بهبود روابط دیپلماتیک ایران شد و استقبال چشم گیری از آن در جوامع بین المللی شد

با تصویب مجمع عمومی ملل متحد به اتفاق آراء سال ۲۰۰۱ به عنوان «سال گفتگوی تمدن ها» نام نهاده شد در تقویم رسمی جمهوری اسلامی ایران نیز روز ۳۰ شهریور «روز گفت و گوی تمدن ها» نام گذاری شد خاتمی این تئوری را در سخنرانی های مختلفی پی گرفت برای مثال عنوان سخنرانی فروردین ماه سال ۱۳۸۴ او در جمع سیاستمداران و روشنفکران در مجمع گفتگوی تمدن ها در یونسکو در پاریس بسیار گویاست: «گفتگوی تمدن ها و فرهنگ ها، نفی خشونت طلبی، تروریسم و جنگ»، او همچنین دست به انتظار کتابی با عنوان «گفتگوی تمدن ها» (انتشارات طرح نو) زد در این کتاب او معتقد است:

«گفتگوی تمدن ها و سیاست تنش زدایی علاوه بر اهدافی که ذکر شد، هدف دیگری را نیز دنبال می کند و آن از میان بردن یک توهم بسیار وحشتناک در عرصه روابط بین المللی است. قدرت های بزرگ غربی، همواره توهم وجود یک دشمن بزرگ را ایجاد کرده اند و از طریق آن توانسته اند بسیاری از رفتارهای غیر عادلانه خود را در دنیا توجیه کنند»

در بهمن ۱۳۷۷ دولت ایران مرکز جهانی گفتگوی تمدن ها را تأسیس کرد هر چند در سال ۱۳۸۹ به دلیل منقضی شدن زمان این مناسبت و نداشتن متولی خاص، از تقویم رسمی کشور حذف شد و این مرکز پس از ۹ سال فعالیت در «مرکز ملی مطالعات جهانی شدن» ادغام و در عمل منحل شد

«گفتگوی تمدن ها می خواهد پایان زندگی سرشار از تبعیض، دورویی، جنگ و ویرانی را اعلام کند و راه تازه ای در زندگی بشر آغاز کند، راهی که باید با همت و تلاش نسل نو پا به صلح و آشتی بینجامد. زندگی مطلوب، زندگی خالی از دروغ، تزویر، زور و تبعیض است و این خواسته فطرت آدمی است. گفتگوی تمدن ها در واقع آغاز راه شکوفایی فطرت انسانی است. انسان ذاتاً عدالت خواه و زیبا پسند است.»

این ایده خوش بینانه که روی خردانسان حساب بازی کرد و منزلت آدمی را راجع می نهاد امیدوار بود تا انسان در بر گزین گفت و گو و مصالحه به عنوان بهترین روش همزیستی اهتمام ورزید و آیدای رمانی، نمادین و به دور از واقعیت برپا شدن «گفت و گوی تمدن ها» طنین بسیار بلندی در جامعه ایران و جهان داشت اما حذف آن از تقویم نه مناسبت هایی مشابهی مانند روز «تعامل و گفت و گو با جهان» (۲۳ تیر) و روز «جهان عاری از خشونت و افراطی گری» (۲۷ آذر) نیز سرانجام بهتری نداشتند



این انجمن در محله ای جلفای اصفهان جایی بود که در حدود سال ۱۳۸۱/۲۰۰۲ میلان مسیحی با مجتهدین مسلمان به مباحثه و مناظره می پرداختند یکی از کشیشان اروپایی پس از سفر به هندوستان و یادگیری زبان فارسی، کتابی در رد اسلام چاپ کرده بود روحانیونی مانند آقا نجفی اصفهانی و حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی با حمایت رکن الملک شیرازی - حاکم وقت اصفهان - در صدد مباحثه با این چنین کشیشانی برآمدند انجمن صفاخانه محصول این جلسات بود شاید بتوان این انجمن را از نخستین مراکزی دانست که در آن به گفتگو میان ادیان، فرهنگ ها و تمدن ها توجه شده است. این انجمن پس از سه ماه از تأسیس، به سر دبیری سید محمد علی داعی الاسلام دست به انتشار مجله ای با عنوان «الاسلام» زد شرح این مناظرات در این مجله چاپ می شد نسخه های این مجله در لندن، بعضی پایتخت های اروپایی، مصر، هند، حجاز و عثمانی توزیع می شد تا ده سال بعد این نشریه به دو زبان فارسی و اردو در سراسر شبه قاره هند توزیع می شد

بنیاد فرهنگی گفتگوی فرهنگ ها

این بنیاد در دهه پنجاه پیش از یاروش شایگان، حسین ضیایی و ژوزه گارودی و البته با حمایت دفتر ملکه در تهران تأسیس شد و این بنیاد در سطحی فرهنگی، دغدغه هایی روشنفکرانه داشت به انتشار کتاب هایی نیز پرداخت. از آن جمله می توان به انتشار کتابی از گارودی با عنوان «برای یک گفتگوی تمدن ها» (Pour un dialogue des civilisations) در سال ۱۹۷۷ اشاره کرد

نظریه ی برخورد تمدن ها

پس از فروپاشی شوروی دوران جنگ سرد به پایان رسید. بلوک غرب به رهبری امریکا در برابر بلوک شرق به رهبری شوروی پیروز شده بود نظم نوین در عرصه بین المللی روبه استقرار بود از میان تحلیل های ارائه شده دو نظریه توجه بیشتری را به خود معطوف کرد:

هائیتینگتون در سال ۱۹۹۲ بیان کرد که جهان به مر حله ای نائل آمده که در آن نه کشور ها و سیاست پردازان، بلکه تمدن ها و فرهنگ سازان نقش آفرینان اصلی خواهند بود با پایان یافتن جنگ سرد دوران نزاع ایدئولوژیک نیز خاتمه یافته و عصر جدیدی آغاز می شود که مناقشه اصلی میان هفت تمدن اصلی خواهد بود: مدرن، کنفوسیوسی، ژاپنی، اسلامی، هندی، اسلاو - ارتدوکس، آمریکای لاتین و تمدن حاشیه ای آفریقایی، وی معتقد است به تدریج از اهمیت مناسبات مبتنی بر دولت - ملت کاسته خواهد شد و مناسبات جدید حول این تمدن ها شکل خواهد گرفت و فرهنگ، مذهب و خود آگاهی تمدنی به عوامل تعیین کننده تبدیل خواهد شد و از این پس به جای مرزهای سیاسی سابق، خطوط گسل میان تمدن ها است که نقاط بحران خیز را پدید می آورد از این میان، به نظر هائیتینگتون کانون های اصلی منازعات تمدنی، میان تمدن غرب با یک سو و دو تمدن کنفوسیوسی و اسلامی از سوی دیگر خواهد بود او معتقد بود این تئوری توانسته است در مورد درخداهایی مانند جنگ های داخلی یوگسلاوی، ظهور بنیادگرایی مذهبی، نزاع های داخلی روسیه، تشدید گیری های تجاری آمریکا و ژاپن توانایی تحلیلی چشمگیری از خود نشان دهد

فرانسیس فوکویاما نیز در سال ۱۹۹۶ در کتاب «پایان تاریخ و آخرین انسان» جهان آینده را نظامی تک قطبی و تحت سیطره لیبرال دموکراسی غربی دید

گفت و گوی تمدن ها

در شهریور سال ۱۳۷۷/۱۹۹۷ سید محمد خاتمی در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل در پاسخ به نظریه ی برخورد تمدن ها ایده ی گفت و گوی تمدن ها را مطرح کرد داین نخستین بار بود که

رویا به خواب ابدی رفت



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۷

۲۹ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

«از سکوی سرخ» و «عبارت از چیست؟» نیز در شمار آثار وی در حوزه نقد و نظریه شعر است. رویایی چنان بسیاری از روشنفکران معاصرش در جوانی و در قالب حزب توده ایران فعالیت سیاسی می کرده است و چندین بار دستگیر و زندانی شده بود.

روایایی می گوید:

اغلب برام پیش می آید وقتی در کتابخانه کوچکم در نورماندی که پنجره هایش رو به کوچه ای در روستا باز می شود کار می کنم، روستایی ای را می بینم بیل بر شانه از کوچه می گذرد. همیشه سلام کوتاهی به هم می کنیم. یک روز به من گفت آقای رویایی! من زمینم را شخم می زنم و می دانم که چه چیزی به من می دهد؛ اما شما چی؟ همیشه شما را می بینم که دارید کاغذتان را شخم می زنید، همیشه همین جا پشت همین پنجره. کاغذ شما چه چیزی به شما برمی گرداند؟

از آن وقت، اغلب که به این گفت و گو فکر می کنم؛ از خودم می پرسم چرا آن روستایی آن روز، زمینش را با کاغذ من مقایسه می کرد؟ آیا کاغذ من زمین من است؟ آیا من کاغذی دارم؟ امروز گمان می کنم که دارم. برای شاعر در تبعید، سفیدی کاغذ او زمین زادگاهی اوست.

یدالله رویایی مشهور به رویا در ۲۳ شهریور در سن ۹۰ سالگی در روستایی در فرانسه درگذشت. یدالله رویایی سردمدار شعر حجم در سال ۱۳۱۱ در دامغان به دنیا آمد.

یدالله رویایی، مطرح ترین شاعر «حجم گرا»، شعر را از دهه سی آغاز کرد. نخستین مجموعه شعرش «نغمه های زندگی» است. پس از آن، مجموعه «بر جاده های تهی» را منتشر کرد. این اثر سه دفتری نشان داد رویایی درصدد پیمودن راهی متفاوت و ارائه شعری نامتعارف است. «بر جاده های تهی»، رویایی را شاعری نو پرداز و درعین حال تندرو معرفی کرد. اشعار این مجموعه، تعقید (پیچیدگی)، ابهام و نارسایی هایی دارد که نتیجه بهره مندی رویایی از استعاره ها و تشبیه های غریب و نیز تکلف و تصنعی است که تعددا در شعر او راه یافته است. پس از انتشار «بر جاده های تهی»، رویایی در مقالاتی که به چاپ رساند، نظریه هایی در باب شاعری ارائه و چارچوب و تعریف تازه ای برای شعر عرضه کرد. مهم ترین محور نظریه های رویایی، «فرم» بود. رویایی ضمن آنکه تعریف خاصی از «فرم» به دست داد، اهمیت «فرم» را در شعر گوشزد کرده و آن را بنیادی ترین مسئله شعر معرفی کرد. از دیگر آثار رویایی «شعرهای دریایی»، «دل تنگی ها» و «من گذشته: امضا» است. «هلاک عقل به وقت اندیشیدن»، «چهره پنهان حرف»،



«نگاهی به مشکلات و چالش های چاه کن ها»

کار در اعماق تاریکی

در این شماره نشریه نگاهی داریم به مشکلات و چالش هایی که چاه کن ها با آن ها روبرو هستند. شاغلین به این شغل علی رغم تعرفه های بالائی که کار ایشان دارد اما با مخاطرات و مسائل بسیار متعددی روبرو هستند. اهم مشکلات چاه کنان را می توان به صورت زیر خلاصه کرد:

۱. کار در فضای تاریک و نمور و دور از سطح زمین
۲. خطر سقوط
۳. خطر دفن شدن زیر آوار سنگ و خاک
۴. خطر برخورد تخته سنگ های ریزودرشت و آسیب دیدگی ناشی از ضربه و برخورد با دیواره ها
۵. اعتماد به قرقره و چرخ و ریسمان های گاه نایمن تا حد مرگ و زندگی
۶. خطر خفگی
۷. تجربه ای استرس مداوم و لحظه به لحظه
۸. احتمال برق گرفتگی به دلیل وجود پمپ های نایمن
۹. نا برخورداری از منزلت اجتماعی
۱۰. تهدیدات سلامت با آلودگی ها و مشکلات تنفسی
۱۱. کار در فضا و محوطه ای غیر قابل پیش بینی

مشاغل دور از نظر

تهیه شده توسط کمیته آموزش و توانمندسازی حزب اراده ملت ایران

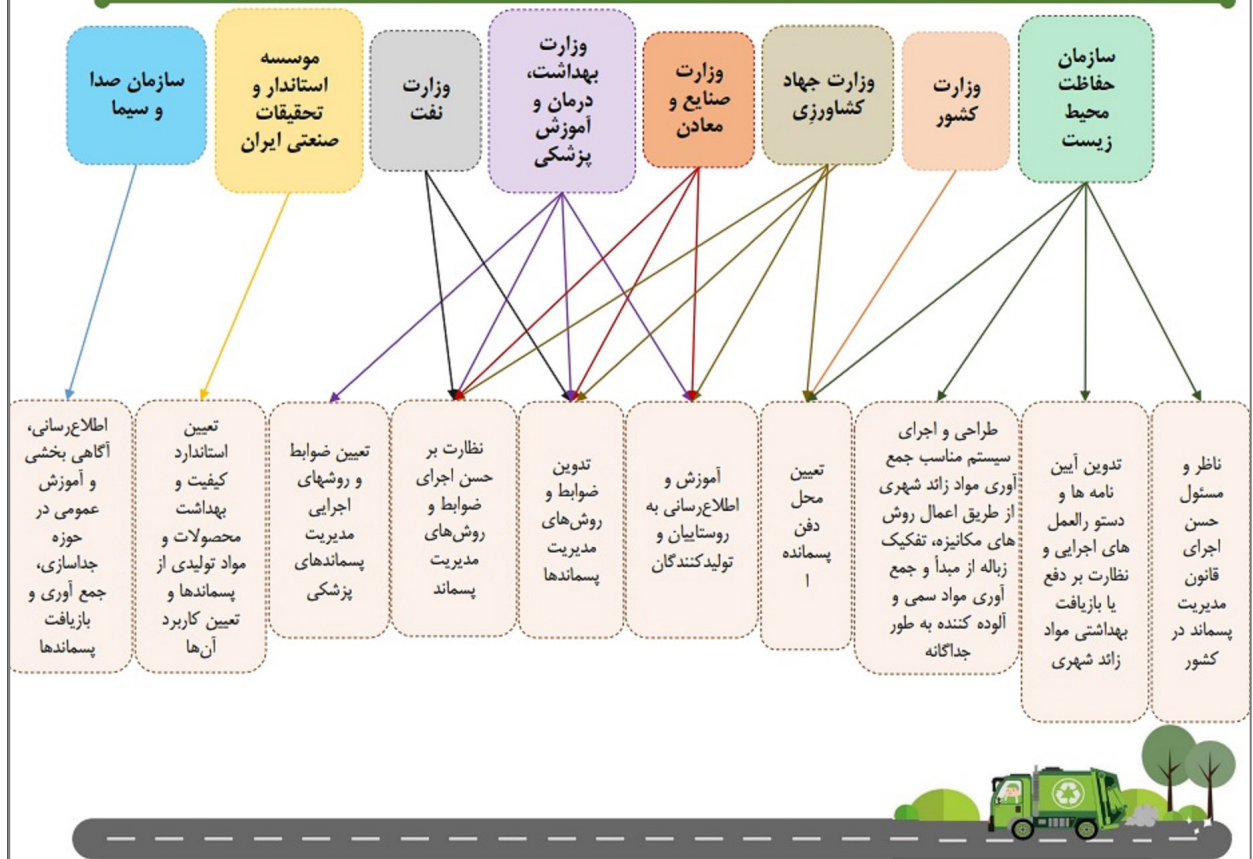


هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۷

۲۹ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

تکالیف و الزامات نهادهای حاکمیتی



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۷

۲۹ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

مدیریت پسماند و نهادهای حاکمیتی

مدیریت پسماند از مهم ترین مسائل و چالش های مدیریت شهری است. افزایش جمعیت و گسترش شهرها و به تبع آن افزایش تولید و دفن پسماند جامد شهری در محیط های طبیعی موجب شده است، مدیریت پسماند در رأس برنامه های مدیریت و خدمات شهری قرار گیرد. مسئله ای که در صورت بی توجهی موجب به خطر انداختن سلامت انسان، زیان های بهداشتی و اقتصادی و آلودگی های محیط زیستی جبران ناپذیری می شود.

مسئله تولید پسماندها و نحوه مدیریت آن ها از مهم ترین محورهای تحقق توسعه پایدار است که در میان مسئولان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به دلیل زیرساخت های ناکافی و مدیریت ضعیف، ۷۵ درصد پسماند عادی کشور مستقیم دفن می شود که متأسفانه دفن پسماند در کشور اصولی، بهداشتی و مهندسی نیست. پسماند در برخی مناطق به ویژه شمال کشور به بحران محیط زیستی و معضل ملی تبدیل شده است. کاهش تولید و حجم پسماند، استفاده دوباره و بازیافت، تقویت و توسعه زیرساخت های فنی مدیریت پسماند از جمله اقداماتی است که باید در کشور برنامه ریزی و اجرا گردد.

نبودن نظارت دقیق و کامل بر اجرای قانون مدیریت پسماند، ناهماهنگی بین دستگاه های اجرایی و ارگان های اثرگذار بر پسماند، نبود برنامه و استراتژی مشخص در مدیریت پسماند، نقص یا نبود استاندارد در بازیافت، دفن و دفع پسماند، بی توجهی به آموزش و مشارکت شهروندان و... موجب شده است مدیریت پسماند در عمل با مشکل و چالش مواجهه باشد. انتظار می رود با وجود قانون مدیریت پسماند با تأکید بر اصل پنجاه قانون اساسی و اسناد بالادستی، مسئله پسماند به عنوان زیربنای قوانین جدیدتری مورد توجه و بازنگری قرار گیرد. از آنجایی که قانون لازم الاجرا می باشد اصلاح قانون موجود وضع مقررات جدید ضروری و نیازمند یک مکانیسم اجرایی قدرتمندتر است. در اینفوگرافیکی که توسط شرکت های فناوری در حوزه مدیریت پسماند آماده شده است به تشریح وظایف نهادهای حاکمیتی در مدیریت پسماند پرداخته است. علی رغم مشخص بودن وظایف قانونی هر دستگاه در رابطه با مدیریت پسماند، وضعیت پسماند در کشور مناسب و مطلوب نیست.

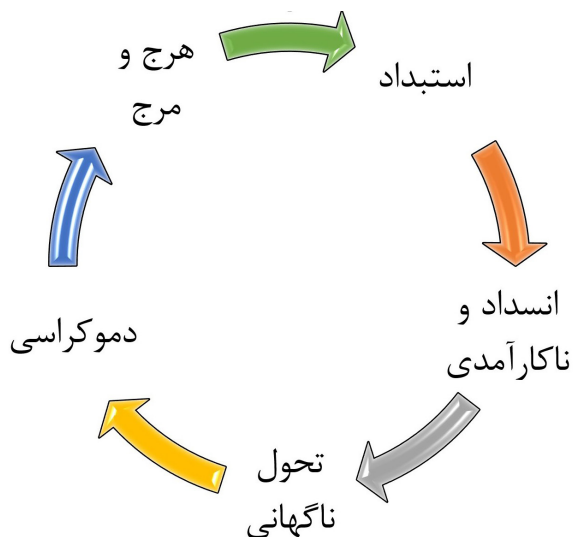
تهیه: مهشید قاسمی



اخبار حزبی



دولت اقتدار گرا و مستبد مصلح یا دولت دموکراتیک؟



جلسه دفتر سیاسی حزب روز ۲۰ شهریور برگزار شد. موضوع این جلسه مزایا و معایب دولت اقتدارگرای مصلح در برابر وجود یک دولت دموکراتیک بود. اعضا دفتر سیاسی از زاویه‌های مختلف به موضوع ورود کردند و با توجه به پیشینه دولت‌های اقتدارگرا در ایران و جهان و کارکردهای این گونه از دولت‌ها در بازه تاریخی به نقد آن‌ها پرداختند. مشروح گزارش این جلسه رادر شماره‌های بعدی هفته نامه خدمت خوانندگان عزیز ارائه خواهیم داد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۷

۲۹ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

پنجاه و پنجمین جلسه هیئت دبیران حوزه‌های حزب برگزار شد

۱۶ شهریورماه جلسه هیئت دبیران حوزه‌ها با حضور تمامی اعضا برگزار شد. در این جلسه آخرین گزارشات حوزه‌های بیست گانه حزب ارائه شد و دبیران به بیان نقطه نظرات خود در مورد شیوه کار حوزه‌ها و برنامه سال سوم حوزه‌های حزبی پرداختند.

هیئت دبیران حوزه‌های حزب متشکل از ۱۰ نیروی باتجربه در زمینه کار حوزه‌ای است که زیر نظر مستقیم دبیرکل فرایند جذب، اتصال، الحاق و تداوم اعضا را دنبال می‌کند.

حوزه‌های حزبی تا قبل از پاندمی کوید ۱۹ در سطح شهرستان‌ها برگزار می‌گردید ولی بعد از بحران کرونا و عمومی تر شدن استفاده از ابزارهای ارتباطی مجازی، در سطح ملی برگزار می‌شود. دور اول این برنامه (۱۳۹۹-۱۴۰۰) ۲۶ جلسه هیئت دبیران در دوزیرمجموعه قفقوس و سیمرغ برگزار شد و دور دوم آن (۱۴۰۰-۱۴۰۱) تاکنون ۲۹ جلسه در سطح دبیران را در بر داشته است.



نشست بحران آب در دفتر حاما همدان



هفته گذشته با توجه به بحران بی آبی و کم آبی رخ داده در سطح شهر همدان، دفتر حزب در این شهر میز گردی را به حضور دو نفر از صاحب نظران در این حوزه تشکیل داد.

در این جلسه جمال سوزنچی از فعالین حوزه کشاورزی و فتحعلی حسینی از بنیان گذاران سمن محافظت از آب به عنوان سخنران حضور یافتند و به ارائه نقطه نظرات خویش در مورد علل کمبود آب و ارائه راهکار برای حل پایدار این مسئله پرداختند. در ادامه برنامه نیز اعضا دفتر همدان و مهمانان دیگر سؤالات و پیشنهادات خود را مطرح نمودند. گزارش مبسوط این نشست را در همین شماره نشریه خواهید خواند.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۷

۲۹ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

دو کتاب جدید انتشارات حزب چاپ شد



به گزارش مسئول انتشارات حزب در هفته جاری دو کتاب "نقش شورا در توسعه سیاسی با نگاهی به شورای تهران" و "روند دیپلماسی نفتی ایران قبل و بعد از خروج آمریکا از برجام" از چاپخانه تحویل گرفته شد.

نسخه چاپی کتاب "نقش شورا در توسعه سیاسی با نگاهی به شورای تهران" در ۱۱۲ صفحه و با قیمت ۳۵ هزار تومان عرضه شده است و نسخه چاپی کتاب "روند دیپلماسی نفتی ایران قبل و بعد از خروج آمریکا از برجام" در ۱۸۰ صفحه و با قیمت ۴۵ هزار تومان به فروش می رسد.

این دو کتاب، آخرین کتابها از مجموعه انتشارات حزب است که عرضه عمومی می شود. برای تهیه نسخه فیزیکی این کتابها می توانید با شماره تلفن ۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵ تماس بگیرید و برای دریافت نسخه الکترونیک این کتابها می توانید به سایت و اپلیکیشن طاقچه مراجعه نمایید.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۷

۲۹ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

برای مهسا؛ مَهی که چهره اش برای ابد گرفتار خسوف شد

بس سخیف، ننگین و شوم است ...
فرقی نمی کند تن اش، مورد ضرب و شتم ماموران قرار گرفته باشد یا نباشد
بس سخیف، ننگین و شوم است ...
فرقی نمی کند مسافری پر از انگیزه‌ی شادمانی کردن بوده است یا ساکن همان شهر
بس سخیف، ننگین و شوم است ...
فرقی نمی کند آراسته به لباس اصطلاحاً استاندارد داشته یا هنجار آن‌ها را شکسته است
بس سخیف، ننگین و شوم است ...
فرقی نمی کند به صورت برادرش فلفل پاشیده‌اند یا نپاشیده‌اند
بس سخیف، ننگین و شوم است ...
فرقی نمی کند سابقه بیماری و جراحی داشته یا نداشته
بس سخیف، ننگین و شوم است ...
فرقی نمی کند سه بار احیای قلبی داشته یا با تلاش نخست قلب پر دردش آغاز به تپیدن کرده
بس سخیف، ننگین و شوم است ...
فرقی نمی کند با برادرش بوده، تنها یا با هر دوستی و رفیقی و محبوبی
بس سخیف، ننگین و شوم است ...
فرقی نمی کند در تمام مدت باز داشت حال خوشی داشته یا نداشته
بس سخیف، ننگین و شوم است ...
فرقی نمی کند پایتخت باشد که خشونت آگین می شود یا روستاهای دوری که زیر هجوم بیخبری گم‌اند
بس سخیف، ننگین و شوم است ...
فرقی نمی کند قربانی، در دوران شکوفنده جوانی باشد یا فردی پا به سن گذاشته
این مسیر که می‌روید بسی کریه، ناپذیرفتنی و پلشت است ...
و البته هر کدام از این تلخی‌های عمیق و تاریک که شمردیم، رنج سیاه مضاعفی بر روان فرسوده و خسته از دردماء، آوار می‌کند





سازمان آگهی

برای درج تبلیغات خویش، پوستر طراحی شده را
به آدرس پایین ایمیل

Hgolami1367@gmail.com

و یا

به شماره زیر از طریق واتساپ ارسال نمایید

۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵

شماره هفدهم فصلنامه خطرات سیاسی، حاوی مطالب متنوع مربوط به تاریخ معاصر ایران منتشر شد. پرونده اصلی شماره تابستان ۱۴۰۱ این نشریه به کارنامه حزب توده اختصاص یافته است که دربرگیرنده مصاحبه‌ها، خاطره‌نگاری‌ها و مقالات خواندنی درباره این تشکل سیاسی دیرپا در ایران می‌باشد. همچنین در این شماره گزارشی از جلسه نقد و بررسی پرونده تغییر ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق در کلاب هائوس، درج شده است. در بخش یادها و خاطره‌های این شماره به هوشنگ ابتهاج، عباس معروفی، میخائیل گورباچف و احمد ساعی پرداخته شده است. خطرات سیاسی را از روزنامه فروشی‌ها و کتابفروشی‌های معتبر یا از طریق آونمان و سایت طاقچه تهیه نمایید.

فروشگاه و نمایشگاه نوین چوب

معصومی



پختی MDF, ACT های گلاس، پلی گلاس، کینگ گلاس، تنوپان، صفحه و سه میل ...

طراحی و ساخت انواع کابینت و پارتیشن و ...

۰۸۱۳۳۲۶۷۷۰۰۶



۰۹۱۸۱۱۰۰۰۱۲، ۰۹۳۹۶۳۹۸۶۸۰



همدان: میدان امام حسین، بلوار الغدیر، بعد از کوچه خیر خواه



سپهر بِلای زندگی شما
برای همه مردم ایران



نمایندگی بام زر

کد: ۳۲۷۵



♦ بیمه اتومبیل (ثالث و بدنه) ♦ بیمه عمر و سرمایه گذاری

♦ بیمه آتش سوزی و حوادث ♦ بیمه مسئولیت و کارفرما

مشاوره 24 ساعته رایگان

۰۹۱۸۸۵۰۶۳۰۰

۳۳۲۴۲۶۲۴

نقد و اقساط

استان همدان، نهاوند، خیابان آزادگان، روبه روی گوجه دکتر صالح

انتشارات خزه ارائه میکند



تهران، خیابان ولیعصر، انتهای پارک ساعی، کوچه شهید امینی، پلاک ۲، واحد ۷

تلفن: ۰۲۱۸۸۶۵۱۲۱۹۰

همراه: ۰۹۱۹۹۰۷۰۳۳۷